

# کارگر امروز

نشریه انترباشیونالیسنسی کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Vol.4, No.39, September 1993

سال چهارم، شماره ۳۹، شهریور ۱۳۷۲

در هشتادمین کنفرانس سازمان جهانی کار

## اعتصاب دهها هزار کارگر رومانی برای افزایش دستمزد

صفحه ۵



## نهید کمپانی هیوندای به بستن کارخانه ها

کارخانه هیوندای که اعتضاب را آغاز کرد بود به یک قرارداد دستمزد رای مثبت داد. اما دو کمپانی هیوندای کارگران را تهدید کردند که اگر از مطالبه افزایش دستمزد شان صرف نظر نکنند کارخانه ها را تعطیل خواهد کردند.

کمپانی در معرض تعطیلی قرار داشت. کارگران این بخش ها خواهان افزایش دستمزد بالاتر از پیشنهاد کارفرما و استخدام مجدد هیران اخراجی اتحادیه در کارخانه های مختلف شدند. اما مدیریت این کمپانی کارگران را به بستن کارخانه ها تهدید کرد.

\*

## روسیه، اعتضاب کارگران علیه افزایش بهای انرژی

کمیته اعتضاب کارگران اعلام کرد که بجز کارکنان صنایع "ریتال" تمام کارگران منطقه در این اعتضاب شرکت کردند. وی افزود کارگران به هر قیمت بر مطالبه شان پافشاری خواهند کرد. چیزی که ما به دولت روسیه هشدار دادیم اکنون به وقوع پیوسته است.

\*

در هشتادمین کنفرانس سازمان جهانی کار

## گزارش کمیته کارشناسان سازمان جهانی کار درباره شرایط کار در ایران

صفحه ۱۰

## جمهوری اسلامی در منکنه اعتراض تشکلهای کارگری

مرکز خبری کارگر امروز: در اواخر خرداد ماه گذشته (اواسط زوئن) هشتادمین کنفرانس سازمان بین المللی کار با شرکت نایندگان دولتها، کارفرماها و کارگران بیش از دویست کشور در ژنو برگزار شد.

در این کنفرانس، جبار علی سلیمان، که از جانب خانه کارگر جمهوری اسلامی تحت عنوان نایندگان ایران اعزام شده بود، کنفراسیون بین المللی اشاره کرد و آنرا کاملاً دروغ خواند. وی گفت که اینگونه گزارشات در صورت عدم رسیدگی می تواند منشاء جدیدی برای تضعیف تشکیلات کارگری (منظور شوراهای اسلامی) گردد.

نایندگان اعماق خانه کارگر گفت که سازمان متبع او به دیگر کل سازمان جهانی کار اعتراض کرده و حق خود را برای پیگیری قانونی و حقوقی اتهامات وارد در گزارش مذکور را محفوظ می داند. وی همچنین گفت که خانه کارگر آماده پذیرش هیات های برسی و کارشناسی برای روشن شدن اذان است.

از سوی دیگر در این کنفرانس هیات نایندگی دولت ایران به عضویت هیات بقیه در صفحه ۲

پذیرش فعالیت کمیته های همبستگی با کارگران ایران در کشورهای مختلف و صدور قطعنامه های متعدد از جانب تشکلهای کارگری مختلف جهان در اعتراض به حقوقی کارگران اسلامی ایران و اعتراض به حقوقی کارگران اسلامی بعنوان نایندگان کارگران ایران در کنفرانس جهانی کار، کنفراسیون بین المللی اتحادیه ها نیز در بولتن سالانه

## بیکارسازی کارگران در ایران گسترش می یابد

کارخانجات تو ان اقتصادی تهیه آنها را با مشکل تقاضگی مواجه گردیده است. \* در آخرین جلسه برسی وضعیت واحدهای صنعتی استان گیلان در ۱۳ تیر ماه گزارش شد که خطر تعطیل ۵۵ واحد صنعتی در گیلان از کارخانجات چوکار شفارود، فومنات و ایران کنف را تهدید می کند. کارخانجات پوشش ایران بعلت کمبود مواد اولیه حداقل تا یکماه دیگر توان تولید دارد. وی کارخانجات پوشش تولید کننده انواع حolle و پارچه است و یکی از بزرگترین واحدهای تولیدی در نوع خود در سطح کشور است.

\* کارخانه شیر پاستوریزه بزد بغلت "تفاوت پرداخت سویسید از سوی دولت و افزایش روزافزون قیمت مواد اولیه کارخانه" با خطر تعطیل شدن مواجه ساخته است.

\* بسیاری از صنایع تحت پوشش بنا بر اوضاع کارگران ترک در آلمان نوشته است که در واقع سرنوشت زندگی دو ساله خود او در نقش کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن ساخته است. وی قبل از نیز کتابی به همین نام (در اعمق) درباره و محدودیت های ریال از سوی بانک مرکزی با خطر تعطیل مواجه هستند.

بقیه در صفحه ۲

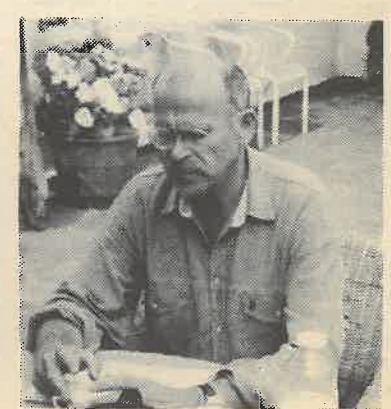
## تزویریگی از فعالین کارگری در بوزیل

روز ۱۲ زوئن، یکی از فعالین کارگری بوزیل "باتیستا دا سیلو" در ژاپن تهیه کرده است که در ماه مه امسال از تلویزیون دولتی ژاپن پخش شد. کارگر امروز بدین مناسبت با وی گفتگویی داشته است که در این شماره سراسری حزب کارگر اعضا مجمع عمومی سراسری هنگام مرگ ۶۸ سال داشت.

## در اعماق

### فیلمی درباره کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن

"در اعماق" نام فیلمی است که گوتنر والراف درباره شرایط کار



صفحه ۶

# کارگر امروز

## در انفجار یک معدن در گرمان دهها کارگر کشته و زخمی شدند

فراغوان کمیته همبستگی کارگری - ژاپن

### به امپریالیسم ژاپن اعتراض کنید

نهم اوت را در مقابل سفارت خانه ها و سایر نمایندگی های دولت ژاپن دست به اعتراض زدیداً از تماشی آشنازی و نزدیکان خود در دیگر کشورها پیغام بدهید که با شما هم‌صدراً شونداً برای توقف اخراجها، اعطای حق قانونی کار و حقوق شهروندی به مهاجرین و برای بازگرداندن اخراج پندگان و پرداخت غرامت بدانان صفوی چهانی خود را متعدد کنید! بدون شک اتحاد طبقات امپریالیسم ژاپن را به عقب خواهد راند! کمیته همبستگی کارگری - ژاپن

### اعتراض جمعی از کارگران شرکت واحد اتویوسرانی ساری به تعویق پرداخت دستمزدها

مرکز خبری کارگر امروز: جمعی از کارگران شرکت واحد اتویوسرانی ساری طی شکایتی به اداره کار مازندران خواستار رسیدگی هر چه سریعتر به حقوق خود شدند. کارگران اعلام داشتند که از ۵ ماه پیش تا کنون مزد ایام کارکرد و عیده و احافه کاری خود را دریافت نکرده اند. به گزارش روزنامه سلام چاپ تهران، کارگران در این رابطه همچنین به استاندار و شهردار مازندران مراجعه کردند اما شهردار ساری اعلام کرد که موضوع به آنها ربطی ندارد. کارگران همچنین خواهان بیمه استند. شرکت واحد اتویوسرانی و مدیر خواستار رسیدگی استاندار خواستند و عامل آن زیر نظر شهردار و باحکم روی فعالیت دارد.

### اعتراض کارگران شرکت قطعات اتموبیل مشهد

مرکز خبری کارگر امروز: کارگران شرکت قطعات اتموبیل ایران در مشهد در اوائل تیرماه پس از افزایش مستمزد خود کا سقف حداقل دستمزد سراسری در سال ۷۲ دست به اعتراض زدند.

### اعتراض کارگران شهرداری بهبهان به تعویق پرداخت دستمزدها

به گزارش روزنامه همشهری چاپ تهران، دستمزد کارگران شهرداری بهبهان که بین چهارماهه به تعویق افتاده بود با اعتراض خانواره، تعدادی از این کارگران روپروردند. پیمانکاری بیشترین آمار کارگران اخراجی در استان خوزستان شده است. بطوریکه پس از اینکارگران طرف قرارداد شرکتها و ادارات دولتی پس از تحویل کار دست به اخراج کارگران میزندند. وی افزود: "میر کل کار و امور اجتماعی خوزستان طی سخنانی با خبرنگاران گفت: "سپردن کار به پیمانکاران در بعضی شرکتها و دوایر دولتی باعث افزایش آمار کارگران اخراجی در استان خوزستان شده است.

افتاده و حق پیمه آنان نیز پرداخت نگردیده است. مدیر عامل کارخانه اعلام کردیه

که در ازای بازخرید کارگران مبلغی بصورت نقد و یا صدور چک پرداخت خواهد کرد.

\* کارخانه پارچه باقی امکن بافت چاپکسر بدلیل کمبود مواد اولیه تعطیل شد. این کارخانه ۴۰ کارگر داشت.

\* خط تولید روغن کشی و پنبه پاک کنی کارخانه روغن نباتی شکوفه در استانه تعطیل است و در حال حاضر فقط خط تولید قوطی، تصفیه روغن و صابون پزی کارگر در خط تولید کار میکند. در این شرکت ۷۵

\* میر کل کار و امور اجتماعی خوزستان طی سخنانی با خبرنگاران گفت: "سپردن کار به پیمانکاران در بعضی شرکتها و دوایر دولتی باعث افزایش آمار کارگران اخراجی در استان خوزستان شده است.

بطوریکه پس از اینکارگران طرف قرارداد شرکتها و ادارات دولتی پس از تحویل کار دست به اخراج کارگران میزندند. وی افزود: "در سه ماهه اول سال جدید از ۴ هزار و ۶۷۱ مورد شکایت ۷۷۱ مورد آن مریوط خانواره، تعدادی از این کارگران روپروردند. به اخراج کارگران بوده است که شرکتها و پیمانکاری بیشترین آمار کارگران اخراجی را داشته اند. وی تعداد کارگران نیز کار در این استان را ۱۰۷ هزار نفر اعلام کرد که بطور متوسط سالانه سه هزار نفر به آن افزوده میشود.

همچنین نماینده مجلس شورای اسلامی از این شهر ضمن اشاره به این اخراجها در گفتگویی با روزنامه کار و کارگران اتفاق شرکهای اسلامی در تیرماه ۹۰

گفت: "سپردن کار به پیمانکاران و بخش خصوصی در سازمانهای دولتی و شرکتها تحت حسابی دولتی شاند شهرداری، سازمان آب، اتویوسرانی، و شرکت توکایر کارگران قطع شده و بزرگ طرح پیمانکاری بیشترین آمار کارگران اخراجی را در ۲/۵ ماه پرداخت خواهد شد. اما استقبال آنچنانی از این مسئله صورت نگرفت و

تنها درصد اندکی از کارگران بدلیل میشنهاد شدند. بدنبال آن مدیریت بازهم

\* بسیاری از کارخانجات دارو سازی کوچک اکثار شرکهای اسلامی در این میزبان

آزادی بازخرید به کارگران سال سه ماه حقوق پرداخت خواهد شد. ولی بازهم این طرح با عدم استقبال کارگران روپروردید. با توجه به این عکس العمل ها مدیریت راه دیگری

تهدید کرد. تا کنون پرداخت حقوق ارديبيشت و خداداده کارگران به تعیین کارخانه، بر سر کوچکترین مساله بهانه

در سوگ کارگران جانباخته معدن زرند کرمان

\* خوداث کار بليای آسماني نیستند. سودجوبي سرمایه داران و قصور عمدى آنها در تامین اينمی معيط کار باعث این خواسته اند.

\* کارگران بخش اعظم زندگی خواستار گاه انسانی باشد. محل کار نباید يك کشتارگاه انسانی باشد.

\* از نظر ما، مرگ هر کارگر در محل کار قتل محسوب میشود و کارفرما و عواملش باید بجوم این قتل محکمه و محکوم شوند. ما جانباختن معدنچیان زرند کرمان را به خانواده آنها، همکارانشان و همه کارگران تسليت میگوییم. کارگر امروز

مرکز خبری کارگر امروز: در ریزش يك معدن ذغال سنگ در نزدیکی شهر زرند کرمان دهها کارگر کشته و زخمی شدند.

در این سانحه که در اثر انفجار گاز متان روی داده است ۲۰ تن از کارگران کشته شدند و دهها تن دیگر زخمی شدند. طبق اخبار احتمال ریزش این معدن تویله کارشناسان پيش بیني شده بود.

### بیکارسازها گسترش می یابد

بقيه از صفحه اول

سربرست اين صنایع ضمن نگرانی از اعتراضات کارگران اطهار داشته است: آجرای قانون کار مدیران و ادھرهاي تویله را در برابر کارگران با مشکل روپرور ساخته و موجب مواجه هستند و در حال حاضر تعادی از واحدهای تویله ای آن در حال است.

\* در جلسه هيات اجرایی خانه کارگر استان مرکزی در تیرماه اعلام شد، واحد تولید استان مرکزی با عدم تولید و رکود مواجه هستند و در حال حاضر تعادی از واحدهای تویله ای آن در حال تعطیل شده است.

\* در کارخانه کفشه می ۴ هزار کارگر مزاد بر احتیاج اعلام شده اند. اما هنوز بيكارسازی صورت نگرفته است.

\* در کارخانه پارس ناسیونال تولید بشنو مازاد همراه باعث بازخرید از جان

کارگران، در مورد کارگرانی که روز هستند و آنجا کار میکنند، از دو نفر یکی را مجبور به بازخرید کند و نیز قرار است

گذاشته شود که در صورت کوچکترین مقررات انتظاتی جيده براي کارخانه سريچي از جانب کارگران، اخراج در انتظارشان خواهد بود.

\* در کارخانه ايران ناسیونال تولید بشنو چشمگيري کاهش یافته و حدود ۱۰۰

مازواده از احتیاج اعلام شده اند. در کارخانجات ماشین سازی کارگران با خطر از دست دادن کار روپرور هستند و

کارگران در سطح کارخانه ايران کاره شنیده می شد. چون پيشتر کارگران اين کارخانه را زنان تشکيل ميدهند، در ابتدا مدیریت اعلام

بيکارسازها در آنجا به بازخرید سال

شده. آنچنانی از اين مسئله صورت نگرفت و

تنها درصد اندکی از کارگران بدلیل پيشنهاد شدند. بدنبال آن مدیریت بازهم

\* بسیاری از کارخانجات دارو سازی کوچک اکثار شرکهای اسلامی در این میزبان

آزادی بازخرید به کارگران سال سه ماه حقوق پرداخت خواهد شد. ولی بازهم این طرح با عدم استقبال کارگران روپروردید. با توجه

به اين عکس العمل ها مدیریت راه دیگری تهدید کرد. تا کنون پرداخت حقوق ارديبيشت و خداداده کارگران به تعیین

کارخانه، بر سر کوچکترین مساله بهانه

ISSN 1101-3516

# کارگر امروز

نشریه انتernasionalist کارگری

**WORKER TODAY**

An Internationalist Worker's Paper

Editor: Reza Moqaddam

شماره فاکس ۹۸۰۷۲۵۹

آدرس:

W.T. Box 6278

102 34 Stockholm Sweden

پست گیرور در اسكندریا ۰

Post Giro 989012-0

حساب بانکی در سوئد

Bank Account: 5201-3306 202

S.E. Banken

Stockholm, Sweden

حساب بانکی در آلمان

W.T

Giro Konto 198242

B.L.Z: 50090100

OKO BANK, 6000 Frankfurt I

Germany

مايلم نشریه کارگر امروز را مشترک شرم. لطفاً نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برای ارسال کنید:

Mr/Ms/Institution:

Address:

Post code

City

Country

W.T

P.O.Box 241412

L.A., CA 90024

USA

فرم پر شد، را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید.

توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا

جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابله متعارف بگیرند.

### اسپانسورهای کارگر امروز

نهادها:

کمیته همیستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری

- آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیستی -

استکمل، حزب کمیستگی کارگری ایران، کمیته همیستگی کارگران ایران و اتریش

کمیته همیستگی کارگران ایران ایوان و سوئیس



مبارزه طبقاتی در اروپا و لزوم تشکیل یک  
حزب متحده کارگری بین المللی!

در سوئیکار شده اند، در نروژ قریب ۵۰ هزار کارگر بیکاراند، در فرانسه هر روز بیکاران زیاده‌ای وسیع صورت می‌گیرد، در فنلاند نزدیک ۲۰ درصد از مردم این کشور بیکاراند و ...

امروز، بحران سیاسی و اقتصادی سراسر اروپای سرمایه داری را فرا گرفته است. امروز بی شبانی در آلمان، فرانسه، ایتالیا، انگلیس و آمریکا حرف از بعنوانی سیاسی و اعتراض های کارگری به میان آورده است. در مقابل این بعنوانی سیاسی و بی اکثریتی جنبشی کارگری، احزاب راست مردم پیشتری را به زیر پرچم خویش می کشانند. جمهوری خواهان در آلمان، جبهه ملی در فرانسه، اتحادیه شمالی در ایتالیا و جنشهای راست در سایر کشورهای سرمایه داری همگی لزوم مطرح ساختن یک اکثریتی کارگری را در سطح جهان سرمایه داری مطرح می سازد، امروز جنبشها و اعتراضات کارگری نیاز به یک تشكیل واحد و انقلابی دارند، انقلاب کارگری به نظر من اگر کارگر حزب انقلابی اش را داشته باشد در شرف وقوع است. در این بین لزوم حرکت به سوی فشار بر اتحادیه ها توسط عناصر رادیکال و وادار کردن اتحادیه ها به اعلام اعتراضات و بخصوص در جهت اعمال تغییرات انقلابی و کارگری قرار دهد، عمومی سراسری از آن شرایط اصلی هستند که می توانند طبقه کارگر را در جهت انجام تغییرات انقلابی و کارگری داری طبقه امروز در این بحران سرمایه داری نهایی کارگر باید با قدرت تشكیل اش پاسخ نهایی اش را در عرصه کارخانجات به بورزوایی بدهد. این پاسخ می تواند در آن صنعتی و یا در کشوری آفریقایی و آسیایی به حدود زیاده شود و در این بین مهم آن است که کارگر آن حزب واقعاً کارگری و انقلابی را در اختیار داشته باشد. کارگران سوسیالیست در هر نقطه ای از جهان معرفان اکثریتی سوسیالیستی و کارگری اند و وظیفه آنها گسترش این اکثریتی کارگری و شیوه این سوسیالیسم کارگری در میان نواده ها و تشکلهای کارگری است.

من در آخر به همراه مارکس می گویم: للاسف تنها به تغییر جهان پرداخته اند ولی هم برس تغییر آن است.

سیامک شاعری - نروز  
۹۳/۷/۲۱

سّوالاتی از گارکرو امروز

مرد بیز کارگر اموزدا!  
قد سویسالیسم کارگری در روزنامه شما  
کمتر من باشد. علت آن چیست؟  
نظرات سویسالیستی کمتر گفته می شود  
علت آن چیست؟  
شما اسم افرادی که شما را ساپورت یا  
پشتیبانی می کنند می آورید هر دفعه! چرا  
تجایی آن نظرات آنها را درج و ترویج نمی  
کنید، آیا پشتیبان شما سویسالیسم  
کارگریست یا افراد؟

مامه "کمیته موقع تشکیلات مستقل  
زنان" به "کارگزاری امور زن"

مرد بیر کارگر امروزا  
سلام گم.  
ما جمعی از زنان مبارز و فعال جنبش  
مستقل و واقعی برای دفاع از حقوق زنان  
ز کردستان عراق هستیم. برای این کار ما  
پشتیبانی و کمکهای مالی شما احتیاج  
ارزیم. پشتیبانی های شما برای ما واجد  
هستیت است.

دست همکاریتان را می فشاریم.  
کمیته موقت تشکیلات مستقل زنان ،  
۹۳ مه

تضادهای جناحهای سرمایه داری در این کشور برای طبقه کارگر انگلیس می تواند یک موقعیت در جهت نشان دادن و بالا کشیدن جنبشهای اعتراضی اش در چهارچوبه، عدم ممکن باشد.

در پیشامیر ۹۲ دولت انگلیس به دلیل بحرانهای اقتصادی اش به طرف همکاریهای ارزی اروپا کشیده شد، بحرانهای اقتصادی و مستله انتظای انگلیس با معیارهای اروپائی واحد به میزان این ناباتی‌ها و نابسامانیها و تضاد در جنابهای مختلف سرمایه داری اثروده است، مردم عame انگلیس که با وعده‌های میجر اندک امیدی به بهبودی اوضاع داشتند با مایوس شدن از وعده و وعدها در اکتبر همان سال شاهد یک تظاهرات ۱۵ هزار نفره کارگری در لندن بودند و درست سه روز بعد از آن شاهد تظاهراتی عظیم تر و با شرکت ۳۰۰ هزار کارگر علیه سیاستهای دولت انگلیس، گروزه این بحران و ناباتی اقتصادی و سیاسی در انگلیس که خود را به صورت یک کارسازی کارگران و تضاد و جدال در بین طبقات حاکم نشان می‌دهد می‌رود تا بهترین موقعیت را در اختیار طبقه کارگر انگلیس برای کشیده شدن به طرف یک اعتساب عمومی سراسری نشان دهد. وقوع این چنین اعتصابی عمومی کاملاً در رابطه مستقیم با حضور عناصر رادیکال کارگری در جهت وادار کردن و تحییل اعتصابات و در کل اعتساب عمومی به اتحادیه‌های کارگری می‌باشد. زعینه‌های این اعتصابات همگی آماده‌اند. تظاهرات کارگری چند صد هزار نفری، اعتساب در نایمکس، اعتساب مungeonsian انگلیس همچنین اعماقی آن عواملی است که به طبقه کارگر یعنی امکان را در جهت رفتن به سوی یک اعتساب عمومی سراسری می‌دهد.

در ایتالیا اعتصابات و تظاهرات که به ریگری میان تظاهرکنندگان و پلیس کشیده شد، بحران مانیا و باندها و بخششای مافیایی دولت، فساد و روش خواری که محاجان سیاسی شدیدی را در حق اعتساب دولت به وجود آورد، است و این فساد و روش خواری به تضعیف حاکیت و رهبری سیاسی انجامیده است. این شرایط واقعی هرگز عناصر رادیکال کارگری در جهت شمار بر اتحادیه در بر پایی اعتصابات عمومی و سراسری را به وجود آورده است.

مرور، فقط در ماه ژوئن ۸۰ هزار کارگر

انتظار و غیر منظره نبرد، فکر کردم بهتر است برای آشنا شدن خوشنده‌گان کارگر امروز مختصری به تحوّلات اخیر در دونوں نژادهای پیش بینیم.

۲۶ - روزنامه‌های ترکیه در عصر روز ۱۹۹۲ خبر از تغییر رهبری تورکیه (بزرگترین کندراسیون کارگری ترکیه) انتخابات را دادند. در ترکیه علیرغم تزاید سازمانیایی سندیکایی از سالهای ۱۹۴۰ و بدنبال آن ایجاد فدراسیونهای کارگری، همواره تورک ایش این بزرگترین فدراسیون کارگری ترکیه بعنوان فدراسیون اد کارگری، داده، دهی، خاص، بهد که از

جانب احزاب و سازمانهای بورژوازی مورده معاشرت قرار گرفته و دارای هریقت ضد شاگردگی بودند. تا انتخابات اخیر دیپرکل مانع توک ایش یا بعلت پیماری و کمکت بینی و یا بخطار مرگشان این پست را رها نکردند. از این لحاظ انتخابات اخیر در نزد طبقه کارگر و بورژوازی ترکیه قدری پیشر عادی بود. تمام سر و صدایهای روزنامه مانع راست نیز ترس از امکان درهم زیزی و تاریشی حاصل از آن بود. اما واقعیت قضیه ووشتر از آئست که در پشت پرده ابهام سوابق و خوشنامیهای یک دوره خاص پیضی از رهبران فعلی توک ایش باقی مانند. "گروه تغییر" با بدست گیری رهبری توک ایش توانست به یک روند تاریخی بقیه در صفحه ۵

الامان امروزین بعد از انقلابات شرق اروپا و  
بعد از ادغام دو آلمان صحنه‌ای بسیار  
گویا از دوره نابیانی و بحران اقتصادی این  
غول عظیم صنعتی جهان است، آلمان  
امروزی بر عکس نصور پسیاری که می-

پنداشتند و هنوز هم می پندارند که بعد از پایان جنگ سرده بربند واقعی این زیقاتها بود امروز با ادغام آلمان شرقی و غربی نه تنها به یک سرمایه داری با ثبات تر و از لحاظ اقتصادی بهتری نیانجامید بلکه این ادغام باعث گردید تا دوره های ثبات اقتصادی آلمان غربی سابق و دوران رونق اقتصادی اش به یک دوران ناباتی و بحران تغییر یابد، در مقابل حتی موقعیتهای ولو کوچک انگلیس و آمریکا، آلمان شاهد ناکامیهای دوره های اخیرش در زمینه های مختلف اقتصادی و سیاسی است. این زمینه ها آلمان را از یک موقعیت برتر واردات بر صادرات و همچنین تقبل ضرورهای مضاعف اقتصادی پرخواهار ساخته است، گرایش و پوشش آلمان به طرف گرفتن قرض، خیزش عظیم جنبشها کارگری آلمان و همراه و در تضاد با این جنبشها، قدرت گیری گرایشات نازیست و فاشیستی در این کشور، نیاز به سرمایه گذاریهای عظیم در جهت بازسازی اقتصادی در شرق آلمان همگی آن عواملی هستند که آلمان را در یک گرداب عظیم سیاسی و اقتصادی فرو برده است. وقوع اعتمادهای متعدد از جمله اعتمادهای یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری جهان "آی.گ." مثال در شرق آلمان به این بعرانها حدت بخشیده است، این دوره ای است که کارگران مثال به تن "همکاری طبقاتی" دست ساخته سوسیال دمکراتهای صونت دهه ۶۰ و ۷۰ جواب نه خویش را با اعتمادهای عظیم شان داوند، با سقوط نفوذ سوسیال دمکراسی و رشد و تقویت جناح راست و وقوع اعتمادهای کارگری، راست در جهت مقابله با این جنبشها و برای محروم کردن کارگران حتی از هر گونه حق اتحادیه ای و صنفی غیر مستقیم به تقویت گرایشات فاشیستی پرداخته است این روند می رود تا پرولتاریای آلمان را یک بار دیگر در مقابل این سوال تاریخی مانیفست قرار دهد: سوسیالیسم یا بربریت سرمایه داری.

سردییر کارگر امروز! این متن نظریه ایشان است که با گذشت مدت زمان نه  
چندان زیادی تورک ایشان در تلاش برای  
حفظ هویت ساق خود موفق شده است.  
یکگز بعضی از فرداسیون و سنديکاهای  
وابسته به تورک ایشان بطور علني در پراپر  
آن ایستادگی نموده و برای افشار رهبری آن  
سی کوشند. هر چند از نظر کارگران و ختن  
سنديکاهای چپ قبلا نیز امکان تغییر  
نیازداشته باشند خیلی بعید بنظر می  
سید، اما در میان بخش زیادی از کارگران  
اما درجه به تبلیغات روزنامه های راست و  
طرفدار رهبری، نکدست ساق تورک ایشان

پهپه کیج و بی افق، توهم "حاکمیت چپ" ر تورک ایش سنگینی داشت. میت اجرایی سندیکا های حزب ایش در تاریخ ۹۳/۷/۱۱ تصمیم گرفت تا برای معکوم شرمند "سیاست صبر" تورک ایش بعده ۵ دوز از تاریخ ۹۳/۷/۱۳ دست به اعتراض ندا بزند. ابراهیم یالچین دیرین دوم حزب ایش در آنکارا گفت: "ما بخاطر عدم محتنای تورک ایش به حمله به قبیله بارگر، خصوصی کردن دولت، کنترانی کردن سارها، سیاست دور کردن کارگران از سندیکا ها و عدم مقابله جدی در پروسه مراردادهای دسته جمعی تصمیم به یک اعتراض ۵ روزه گرفتیم ..." (بنقل از تورنتم)

نامه‌هایی که به قصد درگ در این ستون ارسال  
می‌شود پایه داشته باشد

- ۱- کوته باشند
- ۲- تایپ شده یا کامل خوانا باشند
- ۳- جتنی‌تر ممکن است مطالب به درج نام خود نبایست،  
ضروری شود نام امضا محفوظ بماند
- ۴- کارگردانی از انتخاب و تلفیق نامعا آزاد

قتل عام وحشیانه توسط  
چماق بدستان حزب الله در شهر سیواس ترکیه

در تاریخ ۹۳/۷/۲ هنگامی که جمعی از شاعران و هنرمندان ترکیه همراه با پیروان علوی به مناسبت برگزار کردن مراسم در سالگرد کشتن پیرسلطان عبدالدال در سیواس گرد هم آمدند، (پیر سلطان عبدالدال یکی از شاعران و رهبران عصیانها و شورشیان مردم علوی ترکیه علیه امپراطوری عثمانی بود و حدود ۱۵۰۰ سال پیش توسط امپراطور عثمانی به دار آویخته شد و به این مناسبت هر ساله جماعت علوی، جزیاتان دیگری مثل شاعران، هنرمندان و دمکراتها که پیر عبدالدال را الگو قیام می داشند به مدت چهار روز در شهر سیواس که وی بخاک سپرده شده است مراسم برگزار می کنند). بیش از دو هزار نفر از چنان داران حزب الله با برآمده از قبل طرح ریزی شده از شهرهای مختلف ترکیه به سیواس می روند و در حین مراسم به بهانه حضور عزیز نسین (مترجم بخششیان از کتاب آیه های شیطانی با ترکی) به میتینگ بیوش می برند و با هشت ساعت درگیری سی و شش نفر را می کشند و عدد ای بیش از ۸۰ نفر زخمی می شوند که تا تاریخ ۱۷/۷/۱۷ تعداد کشته شدگان به ۳۷ نفر رسید. در این هشت ساعت درگیری، پلیس هفت ساعت در آن هیچ دخالتی نکرد و فقط ناظر قتل عام مردم توسط چنان پلیس اسلامی بود. فرماندار شهر سیواس که نایانده حزب رفاه اهل شیعه در مجلس است به صنوف حزب الله ها پیوسته و در قتل عام شرکت مستقیم داشت. این کشثار و خشیانه هم را متاثر کرد و مردم ترکیه

گامهای پیشتر

دستور کار گذاشت. در میان اخباری که خود کارگر امروز منعکس می کند نمونه هایی از این سنت را ذیکال و کمویستی را مینما قرار داد. و از سوی دیگر در میان تلاشها و مبارزات کارگری که در اقصی نقاط جهان روی می دهد (حدائق در همین حدی که کارگر امروز در جهان آن قرار دارد) کم و کاستها و بعض نظرات و نگرشاهی غیر کمویستی و عملاً رفرمیستی و محدود نگرانه برخی از رهبران انحصاری ها و جنبشاهی کارگری را از یک موضوع صیمانه و در عین حال با تقدیم روشن مورده بررسی قرار داد.

در هر حال فکر می کنم ادامه فعالیت های کارگر امروز به طرقی که بیشنهاد کردم، نشیره کارگر امروز را تبدیل به یک نشیره ای که علاوه بر اینکه آئینه ای از جنبش اعتراضی کارگر علیه سرمایه بدست می دهد، آنرا اساساً به نشیره ای که افقها، سنتهای کمویستی - کارگری را نمایندگی و هدایت می کند تبدیل منی سازد.

جاوید - سلامی  
۹۳/۷/۲۰

سردپیر کارگر امروز! بدون تردید نشیره کارگر امروز آئینه ای از زندگی و مبارزات طبقه کارگر را بیست هر کس می دهد. آئینه ای که در آن یک جدل داشتی علیه کارمزدی در جهان است. همین درجه از انعکاس مبارزات کارگری (که تازه بیشک مهه تعرکه کهای کارگری در دنیا را در بر نمی گیرد) اولاً بیانگر درد مشترک طبقه کارگر ولو در منزله کشور خودش با اقصی نقاط جهان است.

دوماً مشغله ها، وظایف، و اتفاقهای معینی در دستور کار طبقه کارگر، خصوصاً کمویستها و رهبران کارگری بیش رو می گذارد.

من فکر می کنم نشیره کارگر امروز این بخش دو می را باید فعالانه تر در دستور کار بگذارد و فضایی را برای تکثیر نوشته ها و مقالات در این جهت جدی تر باز بگذارد. علاوه بر آن پنظام سردپیر کارگر امروز گام موثری در بازگشایی، خط و خطوط داد در این جهت باید برواره.

بطور مشخص لازم است ابتداء در جهت افقها و سنتهای کمویستی کارگری در میان جنبش کارگری مقالات و تلاشهایی در

نامه "اتحادیه بیکاران کردستان  
عراق" به کارگر امروز

از هر طریق دیگر ما را یاری دهید.  
همچنین انتظار داریم انتشار بیانیه های  
تشکیل اتحادیه و سراسری شدتمان در  
کارگر امروز را امر و وظیفه خودتان  
بدانید.



البیت من انتظار این را هم نداشتمن که  
جمهوری اسلامی از کارگران مهاجر  
حمایت کند. توضیح این هم ماده است.  
بده هر صورت من باید این را مذاقل  
می پرسیدم. این یک جانب تقیه  
است. جنبه دیگر آن، آیا فونکسیون  
دبیرگری از طرف جمهوری اسلامی در  
رابطه با مهاجرین ایرانی در ژاپن وجود  
دارد؟ شما قبل از ترس مهاجرین ایرانی  
بزای ظاهر شدن در مقابل دوربین حرف  
زدید. آیا این ترس منعصرای به تشید  
و خامات وضع مهاجرین در محل کار و  
در خود ژاپن بر می گردد یا ترس  
معینی هم از واکنشهای رئیم اسلامی  
وجود دارد؟

هم این و هم آن. بیشتر افراد بزرگترین ترجیشان در رابطه با اتهامات مجرمانه و عمل تبعیض از جانب رسانه های زاین وجود است. در این مورد آنها فقط تجارب مشغل داشته اند. مطبوعات زاین چنان جو سازی علیه کارگران مهاجر کرده اند و موارد منفردی را که وجود داشته از جمله نتایج اقتصادی کارتهای تقلیلی تلفن و یا حشیش به مسایل گذاشته و گفته اند ایرانیها این کارها را می کنند. اینجا هم این را می نشناشیم که "خارجیها این کارها را می کنند". سوارودی هم که مهاجرین با مطبوعاتی ها و خبرنگاران برخورده داشتند، غلب با تعریف مضمون علیه خود آنها به کار گرفته شده است. به همین دلیل آنها همچنان دلخور و سرخورده شده اند که اصولاً هی خواهند با نایندگان رسانه ها سر و کار داشته باشند. اگر من در کار خودم بهره آشنازی نبودم که منافع کارگران مهاجر را در سطح بین المللی موره توجه ندار می دهم و اوضاع کشور خودم را هم بوجه نمی کنم، احتمالاً اصلاً با چنین اعتمادی با من برخورده نمی کردند. اما گروه کوچکی از کارگران مهاجر ایرانی هم بودند که از رئیم خودشان هم می ترسیدند. اینها می گفتند که اگر شما اینجا به عنوان مدافعان فعال منافع همکاران انسان شناخته سویم، از جانب ایران ممکن است تلاش مسدود ما را ایزار دست خودشان بکنند و یا می خواهند برگشت به ایران مورد تعقیب بروار بگیریم. این یک اقیلت کوچک اما خلافات و از جنبه انسانی بسیار فعال بود و در اوقات فراغت در مراجعه به مقامات داد و تدوین زبان به همکاران خودشان نشک می کردند و بدون توقع پاداش در بر رصده حقوق پسر فعال بودند. اینها بخشنده جمهوری اسلامی می ترسیدند.

در جانب دیگر جالب بود که اینها در میان نایندگان مهاجر ایرانی این ملاحظات را نثار می گذاشتند و تبدیل به موضوع بحث می کردند. بلکه می گفتند ما می خواهیم خلاص کنیم در این کشور انتگری شویم. و در تدریس زبان به همکاران خودشان می خواهیم اسلامی داره یا ضد مذهب است یا پیغمبر اسلام حقیقت است یا خواهد بود. ما اندک کم هستیم که در اینجا می باید از منافع مشترکان دفاع کنیم. بیزیستیکه در آلمان من خیلی پندرت مشاهده می کنم در زاین اتفاق افتاده بود. رغیر اینصورت آنها چنان سریع پراکنده می شوند و بالاخره هم بین خودشان به برابر خواهند پرداخت.

بنابرآ برداشت من بود، با ذکر اینکه فکر می کنم عده ای وجود دارند که در صورت رگرداندن به ایران به زندان خواهند افتاد و بروز شکنجه قرار خواهند گرفت و یا نزدیکیشان مورد تهدید واقع خواهد شد. تکثیریت کارگران مهاجر چنین نبودند اما ممکن است ای بودند که مورد احترام زیاد من

بعضی هم همینجا است، من دانیم که عمولاً ابتکارات از جانب فعالترها سرورت می‌گیرد و وقتی که اینها من

له. بله. از طرف دیگر انضباط اینها آنقدر  
یا به بود که در این ابتكارات و تجمعات  
موضوع سیاسی خود را دخالت نمی دادند و  
بسی خواستند تبلیغات راه بیاندازند. زیرا که  
آنها طرفداران رژیم را هم در این تجمعات  
بسی خواستند نگه دارند. عده ای پروردند که  
از روی جهل یا غریزی و یا ترس رژیم



بهمن شفیق در گفتگو با گونته والیاف

نیز مربوطه وابسته مستند. آنها هیچ پیکار عمومی ندارند و برای خارجی‌ها غیر ناشناختنی مقیم آنچه اصلاً ایده ای ندارند. در این این وضع کاملاً در حد افراط است. ر آلمان هم این مستنه است. اما در این همان‌ها چه باشد ما در چهارچوب اتحادیه بیروت‌های داریم که منافع همکاران خارجی اخیل خوب موره توجه قرار می‌دهند. اس اواس. راسیس" در چهارچوب سازمان جوانان اتحادیه ها است که موره حمایت زیارات می‌گرفت و می‌گیرد و متناسبانه فقط سازمان جوانان اتحادیه، چرا از طرف همه دستگاه اتحادیه موره حمایت نیست؟

این خیلی پیشرفت است که بالاخره یک همکار ترک - ایلان قاراچسن - در وہبیت اتحادیه فلز انتخاب شده است. اما این خیلی خیلی طولانی بود و اصلاً مذکور نبود.

و هو درون کارخانه ها هم بخشان طوری است که همکاران خارجی پیشتر عقب زده می‌شوند. اما با اینهمه در ژاپن سرمایه خیلی بیویوت است. زیرا که دهد های طولانی فقط کم حزب وجود داشت که دستگاه دولتش را دست گرفته بود...

مربز لیبرال دمکراتیک

من فکر می کنم در این هم کارگران  
مهاجر باید به درون اتحادیه ها بروند. بدون  
تحادیه ها اینجا بعضی چیزها خیلی بیتر  
بود: اما علاوه بر آن هم کارگران مهاجر  
باید خود را سازمان بدهند. تا منافع  
ناملا ویژه خود را فرموله کنند و پیش  
نهند.

ک سوال هم در رابطه با قدرت  
سیاستگر دولت خودی. اخیراً دیده من  
نمود که دولت ترکیه در رابطه با ترکهای  
تعیین آنان اشک تحساح من ریزد. آیا  
از طرف دولت ایران هم در رابطه با  
نارگران مهاجر ایرانی در ژاپن چنین  
مسئلکردی وجود دارد؟ آیا جمهوری  
سلامی اصلاً چنین فونکسیونهای حمایت  
نتنده ای برای خود قائل است؟ خود  
مهاجرین در این رابطه چه من گویند؟

منکه اقدام بزرگی بوده یا نه من خبر  
بارم. تنها حند موده تقاضاهاین از جانب

ولت ایران شده است. یا حتی یک بار در ایران برای یک گروه توریستی ژاپن ششکلاتی فراهم کردند و آنها را مدت سه هفته در این کشور بازدید کردند. این مدت حقوق بشر در ژاپن هم وجود دارد، اما این یک اقدام کوتاه مدت بود. کلا من بیچاره ام از جنبش تلاشمان، برای مقابله

معرضی با شرایط آنچه (ژاپن) ندارم.  
بته باید دانست که امکان سفر به ژاپن بر  
سas یک قرارداد متناظر صدور ویزای سه  
ماهه فراهم شده بود که بعدا از جانب  
دولت ژاپن فسخ شده است. به هر صورت  
من از اقدامات دولت ایران اطلاعی ندارم.  
بته از اینکه در عرصه دیبلوماسی سری چه  
کنند هم خبری ندارم.

شما از اشکال سازمانی در جهت  
همیاری صعبت کردید مثل کلاسهاي  
رس. آيا در ميان يمهاجرین مليتهاي  
بيکر تجارب معيني از سازماندهی، نه  
 فقط همياري، بلکه به منظور تاثير  
لناري اجتماعي و سياسي وجود دارد؟

روز بود، تا آخر این آستانی هم حالیش من  
نند که چگونه کل جامعه و اقتصاد به  
فارجهایی که اینجا زندگی می‌کنند  
باشسته است. این که چنین چیزی اتفاق نمی‌  
گفتند به نظر من یک نوع همیستگی زدایی  
سردرگمی است. در آلمان بین سازمانهای

برخی اشیوهای متعابی هم وجود دارد و  
نه نفع نیروهای ارتگاعی در این جامعه  
است که دستهاشان را به هم من مالند و  
من گویند این را ما همیشه گفته ایم،  
برای این شیوه جنگ داخلی.

ست. آنها قلعه های قدرتمند را فرازه از  
مرزها دارند و از مناقشان دفاع می کند.  
رسزها برای سرمایه چنان مشغله ای  
بیست. اما جنبش کارگری هنوز خیلی در  
گروههای کوچک، در پند ناسیونالیسم و  
ر برداخت و کارگران مهاجر آلمان هم باید  
آن پیراذند. این را آلمانیها نمی توانند  
عنوان قیم عنوان کنند.

بنکه آیا کارگران مهاجر یک اعتصاب  
نموده و خودشان را سازمان پدهند  
و موضوعی قابل بحث است. اما یک  
بیزیری هم به نام چنیش کارگری در خود  
تحلیل وجود دارد. در همین آلمان و در  
این هم اتحادیه هائی هم مستند. آیا  
ر ؟ این کارگران مهاجر به اتحادیه ها  
بر ارجاعه می کنند که بگویند منم  
جنگی کارگرم و اینهم شرایط بس حقوقی  
نم است، به من کمک کنید؟ آیا  
نهایتین چنین فشاری را به اتحادیه ها  
می آورند؟

حادیه های ژلین بیرهای بی دندان و اخته  
ده ای هستند که خیلی زود رام شده اند.  
سوار سرمایه بزرگ به گردشان انداخته شده  
با سرمایه بزرگ متفق شده اند. آنها در  
عمل بی تاثیرند. آنها قراردادهای شرکتی  
بی پشتند و به همین دلایل به همان

گونتر والراف یکی از سرشناس ترین روزنامه نگاران جهان در گفتگو با کارگر امروز:

\* ارزش انسانها برابر مزد روزانه آنهاست

\* برای من قرار گرفتن در بیگانه ترین  
شرایط محرك بزرگی است

در ماه می تلویزیون ژاپن فیلمی را که گونتر والراف روزنامه نگار معروف آلمان مخفیانه از شرایط کار کارگران مهاجر ایران در ژاپن تهیه کرده بود نمایش داد. بهمن شفیق از همکاران کارگر ا茅روز در آلمان پیرامون این فیلم و شرایط کار کارگران مهاجر در ژاپن و همچنین نقطه نظرات خود گونتر والراف با وی گفتگویی داشت که قسمت اول آنرا در شماره قبل خواندید. قسمت دوم و پایانی آنرا در این شماره میخواهیم.

گونتر والراف این فیلم را در اختیار نشریه کارگر امروز گذاشت تا در مجامع کارگران و ایرانیان به نمایش گذاشته شود و عواید آن صرف امر کارگران و مهاجرین شود. این فیلم که به زبان ژاپنی است مراحل پایانی دوبله خود را از سر میگذراند از ماه سپتامبر توسط کمیته های همبستگی با کارگران ایران و سوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در کشورهای مختلف به نمایش گذاشته خواهد شد.

گوتنر والراف منتقد، نویسنده، فیلمساز و ژورنالیست معروف آلمانی اخیراً فیلمی درباره کارگران مهاجر ایرانی در ژاپن تهیه نموده است. این فیلم در تاریخ ۱۷/۵/۹۳ از تلویزیون دولتی ژاپن پخش شده است و بیش از ده میلیون نفر آنرا دیده اند.

این اولین کار والراف در نشان دادن شرایط غیر انسانی حاکم بر زندگی کارگران مهاجر نیست و قطعاً جامع ترین کار وی هم نیست. والراف شهرتش را مدیون گزارش تکان دهنده‌ای است که در سال ۱۹۸۶ از وضع کار و زندگی کارگران ترک در آلمان ارائه داد. کتاب "در اعماق" وی که سرنوشت زندگی دو ساله خود او بعنوان علی کارگر ترک در آلمان است تاکنون به بیش از ۳۰ زیان زنده دنیا و در چندین چاپ مختلف، در میلیونها نسخه به فروش رسیده است. فیلم "در اعماق" نیز که در همین مدت دو ساله با دوربین مخفی تهیه شده است تا کنون از چهارده شبکه اصلی تلویزیون کشورهای مختلف، — به استثنای شبکه اول تلویزیون آلمان — نمایش داده شده است. "در اعماق" ادعا نامه والراف علیه شرایط غیر انسانی جامعه آلمان است. قبل از آن نیز والراف در مقام خبرنگار روزنامه عوام‌غیرب "بیلد" آلمان که چندین میلیون تیراژ دارد گزارش تکان دهنده‌ای از تحریف حقایق و تحقیق افکار عمومی توسط این روزنامه تهیه کرده بود. انتشار این کتاب نیز عواقب جدی ای برای این روزنامه در برداشت و در حد قابل توجهی، از تیراژ آن کاست و جهه دوغ روزانه آنرا آشکارا ساخت.

والراف به انتقاد از جامعه آلان کفایت نکرده و آنجا که توانسته است  
نقش خود را بعنوان یک انسان منتقد علیه ببعادالثی ها ایفاء نموده  
است. از جمله در دوران دیکتاتوری سرهنگان در یونان وی به یک  
کسیون اعتراضی در مقابل پارلمان یونان دست زد و نقض خشن حقوق  
پایه‌ای انسانهای معتبر در آن جامعه را مورد حمله قرار داد. در  
نتیجه این آکسیون وی ۱۴ ماه را در زندانهای دیکتاتوری سرهنگان  
بوبونان بسر بردا. امری که باز هم بیشتر سبب افشاری حکومت  
چگان شد.

نقش اجتماعی والراف برای وی دشمنان و دوستان زیادی به ارمغان ورده است. والراف هدف تهدیدهای مکرر فاشیستهای آلمان واقع شده و ز دوستی هزاران کارگر مهاجر ترک و هزاران پناهنده و پناهجو، برخوردار است. این بار وی در نقش "علی علوی" کارگر مهاجر ایرانی در ژاپن دست به فعالیت زد. تردیدی نیست که کارگر مهاجر ایرانی، نه فقط در ژاپن، و کل جنبش کارگری ایران بعنوان پاداش این

بهمن شفیق  
۱۹۹۳ ذوئس



## ۱۰۳ امروز، آنکه

و صاحبان جدیدشان آنها را رها نموده و به تعطیلی کشانده اند، نمی توان تقصیر را به گذرن تو؛ هند اند اخت!

از سوی دیگر وضع ناجوری برای  
سیاستمداران بن پیش آمده است. آنها از  
این وحشت دارند که تنتاچ موفقیت آمیز  
یک اعتراض غذای طولانی کارگران معدن  
"بیشفروده" بتواند در سطح کل ایالت  
کارگران را به حرکت در آورد. آنها باید هر  
طوری شده زبان های سیاسی این حرکت را  
محظوظ سازند اما مجاز نیستند که به هر  
فشاری تن بدنه. منشی صدراعظم آلان با  
حالی مطمئن می گوید: هیچگونه شرکت  
دولتی و یا وابسته به سرمایه گذاری دولت  
در اینجا مستقر نخواهد شد.

وزیر اقتصاد آستان در مقابل یک تصمیم عجولانه هشدار می دهد که تضمین در مورد ۷۰۰ محل کار دائمی نمی تواند بدلور عوایق خط بناک تقدیم باشد. همچنین دبیرکل حزب لیبرال عکس العمل محلی تورینگ را "حساب نشده و سردرگم" می خواند اما "حکومت محلی تورینگ چه خواهد کرد" اگر شاغلین در شهرهای "زول" و "زلامهیز" با اعتضاب غذا و اشغال کارخانه های خود محل کار مطمئن و تضمین شده تقاضا کنند؟

خطر پوشیده این عقب نشیمنی دولت محلی بقدیری بزرگ و واضح است که خود رئیس ایالت محلی نیز آنرا از دیده نمی گذارد و سعی دارد که قول خود را تعديل کند. او بیر آنست که: این یک پیشنهادی بود آه آدم بیگر نمی تواند آنرا تکرار کند!

هنگامی که مد شود که برای حفظ محل های کار کارگران وارد اعتضاب غذا شوند، بیزودی آستان شرقی دوباره یک اقتصاد برپانه بروزی شده خواهد داشت. وزیر اقتصاد ترس دولتمردان از مبارزه و مقاومت کارگران را چیزین بیان می کند: "ما مجازیم و باید با صدای بلند فریاد بزنیم که باید در مقابل اشغال کارخانه ها و اعتضاب غذا کوتاه آمد، چرا که سیستم ما را خراب خواهد گردید."

کردهند. بعد از تورینگن اکنون سراسر آلمان شرقی را زیانه های آتش اشغال کارخانه و اعتراضات تهدید می کند.

معماون امور اداری بنیاد تروره هند در مورد عکس العمل کارگران با نگرانی می گوید: کارگران می خواهند پنگاه های را که از این نظر اقتصادی قابل حفظ نیستند و باید تعطیل شوند را نجات دهند و سیاست ایالت تورینگن این کار را برایشان آسان ساخته و خود در راس این جنبش قرار دارد. ممکن است حال میز از دست برودا. پنطر ایشان ۳۰۰ هزار کارکنان باقیمانده شاغل در بنگاههای او باسته به تروره هند قادر به حمایت از خود همکارانشان نیستند و کاری نمی توانند بکنند و نیز روی یک اعتراض عمومی حساب نمی کند.

از مجموع کل بنگاههای تولیدی و صنعتی آلمان شرقی که در دست تروره هند بود، ۱۶۳ بنگاه باقی مانده و بقیه یا تعطیل شده و یا باصطلاح "توسعه" داده شده است. این ترتیب در تلاش برای تغییر اقتصاد فیر تولیدی برنامه ریزی شده آلمان شرقی می یک اقتصاد دارای قدرت رقابت در پیشتم بازار آزاد، تاکنون میلیون ها شغل از زین رفته است. تنها در صنایع پوستگت بنا به اظهار دییر اتحادیه سراسری دیگر در ایالت مذکور چیزی حدود ۷۴ روزرد کارکنان و شاغلین بنگاهها کار خود از دست داده اند.

معماون تروره هند در دفاع از سیاست بنیاد می گوید: دولت مرکزی ۶۰۰ میلیارد سارک برای وحدت دویاره دو آلمان سرمایه ای اشتراکی کرده و همه کاری انجام داده تا سرویسات اجتماعی خراب شرق آلمان را تعديل نماید. و اگر مواردی پیش آمده که شخصی صورت کردن ها هم با شکست دو شده

از مجله: فوکوس، چاپ آلان  
ترجمه: رضا پایا

کارگر اسروزه: مبارزه معدنچیان آلان  
پاره‌ای از مطبوعات را از اینکه این  
مبارزه سرمشی بعشهای دیگر کارگران  
شود دچار نگرانی کرده است. نشیوه  
فوکوس با چاپ مطلبی تحت عنوان  
"مبارزه سرسختانه و اعتراض غذای  
طولانی کارگران معدن کال، نمونه و  
سرمشق خطرناک برای کل سیستم سرمایه  
داری آلان" این نگرانی را بغوی  
منعکس می‌کند.

کارگران شرق آلان اماده اند که پائیز داغی  
را پیش رو بگذرانند. "اگر چنانچه کارخانه  
های ما بسته شوند، ما اسلحه هایمان را  
در آورده و تقسیم می کنیم. این تهدیدی  
بود که چندی پیش دیر شورای مدرسه  
شکار و اسلحه های شکاری در شرق آلان،  
هارمتوت وایس، مطریت کرد.

و اکنون آنها مقاومت خود را سازمان داده  
اند: این تنها کارگران بیشفروده نیستند که  
خود را علیه تعطیل سازی کارگاهشان

هونکر، رئیس دولت سابق آلمان شرقی

همبستگی بین المللی کارگری

مستله اخراج ها و بیکارسازی های تردد  
ای در شرق آلمان با تصمیم به پستن  
معدان کال در ایالت دورینگن و  
اعتصاب غذای بیش از یکماهه کارگران  
بیشفروده و اشغال کارخانه به اوج خود  
رسیده است. بطوریکه این مستله تبدیل  
به یکی از مسائل روز جامعه آلمان و  
نیاگر چهره واقعی سیستم پazar آزاد  
می پاشد. از سوی دیگر این اعتراض  
و اعتراض کارگران برای جلوگیری از  
پستن معدان و از دست دادن محل های  
کارشان همبستگی و همدردی تردد های  
وسعی کارگران و مردم چه در آلمان و چه  
در سایر ناطق را برانگیخته است. اوج  
این همبستگی تظاهرات و اکسیون  
همبستگی بود که در روز اول اوت با  
شرکت ۸ تا ۱۰ هزار نفر از سراسر آلمان  
پرگزار شد. مطلبی را که در زیر می  
خوانید گزارشی است که تشریف گائنس  
در شماره روز دوم اوت از تظاهرات  
همبستگی مذکور درج کرده است.

پا رضا

قررت باید بدست همه مردم باشد". این گفته "توماس موتسر" که معدن کالی بنام اوست بر سر در اصلی کارخانه نقش بسته است. بر سینه مجسمه موتسر یک پلاکارد بزرگ نصب شده است: "ادغام کالی، نهاد". برای دییر شورای کارخانه، هائینر برویدهون، "روز محبستگی بین المللی" علامتی بود که نشان می داد پشت سر کارگران اعتصابی کالی نه تنها تمام منطقه بلکه یک ملت استاده است.

پیام های همبستگی که از بلندگوها پخش می شد از تمام نقاط بود. از کارگران فلیپین، برزیل، کلمبیا، آمریکا و تعداد زیادی از کشورهای اروپایی. حدود ۸ هزار نفر دیروز به "بیشروعه" آمده بودند. حتی هیئتی از کارگران یک کنسنتر شیمی که تا چندی پیش کارخانه شان را اشغال کرده بودند در میدان حضور داشتند. خاتم جوانی با گیتار و صدای خوشی در روی صحنه می خواند: "آب لطیف سنگ سخت را با خود می شوید و می برد". سپس دسته ارکستر محلی با لباس های آبی و سفید به نواختن موسيك پرداختند. تى شرت های همبستگي با چاپ جمله "بیشروعه" همه

جاست - ما مردم هستیم" به مقدار زیادی فروش می رفت.  
در بیش از دو ساعت گرد هم اشی در میدان مقابل کارخانه تعداد زیادی سخنرانی کردند و پیام دادند که اکثر آنها از اعضا شوراهای کارخانه بخصوص از شرق آلان بودند. آنها در سخنان خود همکاران خود را در "بیش رووده" تشویق به مقاومت کردند و همبستگی خود را با آنها اعلام می داشتند. در سخنان آنها تنها مستله حفظ محل های کار مطرح نبود بلکه آنها خواستار تغییر سیاست اقتصادی دولت

معاون دبیر شورای معدن "یشفروده" با اشاره به حقانیت مبارزه کارگران آنرا بر مبنای اساطیر تاریخی مذهبی به مبارزه داورد علیه گلیات تشییع کرده و میگوید: حقانیت ما از همبستگی عظیم و توهه ای معلوم می شود چیزی که در هفته آخر بخصوص برای ما روش شد این بود که: یعنوان یک کارخانه واحد ما در زیر فشارها له من شویم ولی با اتحاد و حیات سایر کارخانه ها و بنگاهها پیروز خواهیم شد! دیگران در سخنان خود با خشم می کشند که دیگر نمی خواهیم شاهد نابودی محل های کار خود باشیم: "تا همینجا دیگر بس است." این را نماینده شورای یک کارخانه بلبرنگ سازی می گوید که چندی پیش کارخانه شان را اشغال کرده بودند تا از تعطیل آن جلوگیری کنند. دیگری تهدید می کند که "ما یکبار در گذشته شیطان را فواری دادیم و اگر لازم باشد بار دیگر این کار را می کنیم". در میان تشویق های حضار، شعارهای ناگفته ای "ما هم مردمیم"، "تربه هند" یک باند مافیایی است!، و صدراعظم آلمان در

## قتل و شکنجه رهبران اعتراض در اندونزی

از نشریه: گرین لفت نیوز، چاپ استرالیا

ترجمه: سیامک شعاعی

اعتصاب این شکستن بود. در پی توسط دولت و مدیریت، وزیر کار اندرسونی عالم داشت که کارگران باید خود را در تعدادی دولتی ثبت نمایند و به کسانی هم که قراردادی مبنی بر عدم دست زدن به اعتصاب امضا کنند جواز و انتعام هائی متعلق خواهد گرفت. بدنبال این طرح تعدادی از کارگران در اثر فشار دولت و مدیریت نسلیم می گردند و بقیه تهدید به اعتصاب می کنند.

در پی نقشه مدیریت از یکی از خبرچیان خواسته می شود تا با تعاس با یکی از کارگرانی که تهدید به اعتصاب کرده از او بخواهد تا در ازای تحويل یک رادیویی لرازیستوری که از محصولات کارخانه است مبلغی دریافت کند. کارگر مذکور زمانی هد توسط مامورین امنیتی دستگیر و مکنجه می شود. بدنبال آن پلیس ۷ کارگر از آن سازماندهنگان اعتصاب بودند را

ستگیر می کند.  
مروز دولت و کارفرما لیستی از فعالین و هیجان کارگری تهیه کرده اند و با قتل، شکنجه و زندانی نمودن این کارگران تلاش س کنند تا از اعتضاب احتمالی جلوگیری نمایند. علی رغم همه این جنایات افزایش اعتضابات کارگری در چند ماهه گذشته یکیانگر رشد و گسترش جنبش کارگری اندونزی است. میان کارخانه ها با اعلام یینکه دستگاههای کارخانه به آتش کشیده شده و یا به سرقت رفته است باعث استگیری و شکنجه بسیاری از کارگران می شوند اما پذیرش افزایش حداقل مستمزد در این کشور معادل  $1/5$  دلار توسط وزیر کار اندونزی گواه دستاوردهای اعتضابات کارگری در این کشور است.

غرب جاکارتا از صنعتی ترین مراکز اندونزی است. از بهار سال ۹۳ تاکنون این منطقه شاهد بیش از ۲۰۰ اعتراض کارگری بوده است. دولت، نیروهای امنیتی و مدیریت کارخانه هایی که اعتراض در آنها روی داده است در جواب به این اعتراضات به شکنجه، قتل رهبران کارگری و سازمان دادن جاسوسان و خبرچیان متولی گرده اند. در میان اسامی مقتولین نام چند رهبر سرشناس جنبش کارگری اندونزی و از جمله سرشناس ترین چهره های رهبران کارگری، زنی بنام مارینا به چشم می خورد. چاپ خبر قتل این زن کارگر و رهبر کارگری توسط روزنامه های اندونزی کارگران را در غم و اندوه فرو برد. روزنامه جمهوری مورخ ۳۰ ژوئیه در خبر خوش در مورد یک اعتراض کارگری اعلام داشت که بینبال اعتراض در کارخانه کمپانی «ماسپلن» بسیاری از کارگران توسط مدیریت باز خرید شدند.

و همچنین کمیانی اعلام داشت که تعدادی از دستگاههای کارخانه به آتش کشیده شدند و تعدادی کارگر اخراج می گردند.

اعتراض در کمپانی «دایا» در ماه مه پیورش همه جانبه مدیریت و مامورین امنیتی را در پی داشت. دستگیری و شکنجه فعالین و رهبران اعتراض، سازمان دادن خبرچیان و تهدید کارگران به اخراج عکس العمل مدیریت در مقابل مطالبات اعتراضیون یعنی افزایش دستمزد، پرداخت پول نهار، بهبود شرایط کار و افزایش

جهز کرده اند و بر سر آن می چنگند.  
بلکه پارلایان محلی تورینگن که وعده حفظ  
 محل های کارشان را تا سال ۹۵ داده است  
 یا تصمیم غیرعادی خود باعث شده است  
 که کارکنان دیگر کارخانه ها و بنگاههای  
 شرق آلمان هم جرات پیدا کنند و خود را  
 سازمان دهنند. کارگرانی که در بنگاه های  
 خصوص شده از چندی پیش مزدی دریافت  
 نکرده اند به این جریان با دیده سرمشق  
 نگاه می کنند و در نظر دارند که  
 کارگاهها را اشغال کنند و نگهدارند.  
 حتی واستگان به شاغلین این کارخانه ها  
 هم فعل شده اند. برای مثال خانواده  
 کارگران بلبرونگ سازی "دافتلک" که در  
 حال تعطیل شدن است یک انجمن همبستگی  
 تشکیل دادند. اعضای این انجمن در نظر  
 دارند که نوعی آلتزدایی برای اداره کارخانه  
 ایجاد نمایند و کارخانه را در آینده اداره  
 کنند. به این ترتیب که آنها با پرتره ای حق  
 عضویت سالانه برای هر یک از کارکنان  
 می کنند که سرمایه لازم را برای  
 خرید کارخانه فراهم کنند. و این تنها نمونه  
 نیست. روز ۲۰ ژوئیه، اعضای شوراهای  
 کارخانه های تعطیل شده و یا در خطر  
 تعطیل، یکدیگر را ملاقات کردند و یک  
 میانیه مشترک، "اتحاد برای عمل" ایجاد  
 نمودند که تاکنون ۸ بنگاه، ایالت تورینگن  
 به آن پیوسته اند.

صب و حرکت  
می خود را قطع  
د. او هنوز پشت  
د که جمعیت با  
انت کرد؟ سویسال  
او رفت. او ابتدا  
ششم جمعیت تلاش  
که قرارداد ادغام  
در معرض افکار  
اکرات جدیدی در  
سورت گیرید، مورد  
او سپس ادامه  
وابسته باشد تعیین  
انسان باقی ماندن  
۴ سیاست تقسیم  
ب آلان اشاره کرد  
که تا سال ۸۹  
الی آلان در آلان  
ولی بر اساس  
من نسبت برعکسن  
سیاست اقتصادی  
ند نیست بلکه یک  
ست.





بریتانیا،

## یورش سنگین از طریق قانون علیه کارگران

اجتماعی احتمالی را به کمد این شیوه بگیرد. در برایر این لایحه عکس العمل های گوناگونی در میان اتحادیه ها و کارگران دیده شد. کنگره اتحادیه ها تنها کاری که کرد به محض مطرح شدن لایحه به سازمان جهانی کار و کشورهای بازار مشترک شکایت برد. تاکنون چند مقام این کشورها اظهار نگرانی های کرد. اند. جواب حزب محافظه کار همین بود که در کنفرانس اخیر سران از آنها خواست بیان این اظهارات فوراً و با سرعت راه بریتانیا را در پیش بگیرند.

از بین بردن اتحادیه هاست". گارдин نوشت: "تصویب این لایحه بخشی از استراتژی حزب محافظه کار برای تضعیف اتحادیه ها و باز گذاشتن دست کارفرمایان به شیوه آمریکائی است. این لایحه در واقع ریشه در یک سیاست پایه‌ای دارد که جان میجر، نخست وزیر بریتانیا، خطوط کلی اش را در جلسه سران بازار مشترک در کپنهاین در روز ۲۱ ژوئن دوباره تکرار کرد: "قیمت نیروی کار بالاست و بار اجتماعی سنگینی روی دوش کارفرمایه است"، قیمت نیروی کار در اروپا ۲۰ درصد از ایالات متحده و

ها، عمله فروشی ها و توزیع به کار اشتغال داشتند. دستمزد این کارگران کمی بیشتر از دستمزد مثلاً نظافتچی ها بود که تحت پوشش شورا نبودند. تایمز مالی نوشت: "استدلار برای تصویب این ماده این بود که با سقوط دستمزدها کار بیشتری بوجود خواهد آمد". در این حزب محافظه کار با همین استدلار در ۱۹۸۶ جوانان پایین تر از ۲۱ سال را از مشمولیت شوراهای دستمزد محروم کرد. اکنون با اینکه سطح دستمزد این بخش پایین آمده، اما نه

کسانی موره سوال قرار گرفته اند: این خری مخالف توصیه های سازمان جهانی کار هم هست. اگر اتحادیه ها از همه این مواعظ بگذرند و تمام ترفندها و تبلیغات دولت و کارفرمایها را خنثی کنند و اعتراض راه بیاندازند هر شخص و یا طرف بالشی حق خواهد داشت علیه کارگران و اتحادیه مربوطه اقدام قانونی بکند و از ادگاه برای توقف اعتراض حکم قانونی گیرید.

لایحه حقوق استخدام و اصلاح اتحادیه که ماه آوریل به مجلس عوام داده شد روز ۱۷ روئین آخرین مرحله پارلمانی خود را گذراند و به تصویب رسید و از ماه ژوئیه به بعد پس از امضای ملکه اجرا خواهد شد. از مواد مهم این قانون که می تواند در ضعیف اتحادیه ها نقش بازی کند اینست که به کارفرمایها حق قانونی داده است تا به کارگران و کارکنانی که قرارداد فردی

حزب کارگر هم که اجتماعاً و پناچار هنوز تazole می بخشی از طبقه کارگر می باشد بقول یکی از پیشیبانان سنتی آن یعنی توئی پانگ، دیرکل اتحادیه سراسری ارتباطات: ..... به اندازه کافی از پرنسپیب های کلکتیو اتحادیه گرانی دفاع نکرد و به مخالفت با لایحه اتحادیه برخاست". میماند خود کارگران و بدنی اتحادیه ها در این مرور تاکنون در مجامعت کارگری و سختواره ها اعتراضات شدی به بورژوازی شده و راه حل هایی مطرح گردیده است. یکی از سازماندهندگان کارگری در تایسکن در تظاهرات ۱۰ هزار نفره روز ۱۹ مارس امسال در عین حال به تصویب این قانون اشاره کرد و در بخشی از سخنان خود گفت: "بورژوازی به ما اعلان جنگ داده است. برای هدایت این چنگ به یک رهبری در سطح عالیتری احتیاج هست". در واقع طبقه کارگر انگلیس به یک رهبری فرسن و عالی امتنیاً دارد که مبارزه در اینجا را به مبارزات سایر بخش های طبقه در سطح جهان گره بزند و مبارزه کارگران در بریتانیا را هم هدایت کند. زمزمه هائی در مورد این رهبری که باید در یک حزب کارگری تجلی مادی یابد، در میان رهبران رادیکال کارگری هست. اما ناروشنی و الودگی هم زیاد است. تداوم مبارزات کنونی در بریتانیا و جریات رادیکال کارگری در چنین اعتراضی نشان خواهد داد که آیا زمزمه ها فرباد خواهد شد یا نه. \*

بالاتر است، "کار باید لیبرالیز شود تا جنایت داشته باشد". به زبان آدمیزاد این معنی محکوم کردن نیروی کار از هرگونه پیشتبانی دولتی و اجتماعی، یعنی برداشتن بار مالیات ها و بیمه ها و حقوق بازنشستگی و غیره از روی دوش کارفرما و مستن مالیات به مواد اولیه روزانه مردم طور مستقیم و غیرمستقیم زدن از پودجه خدمات اجتماعی و حکومی. این کاری است که بورژوازی در همه جا بدان دست زده و در بریتانیا نیز سرعت در حال اجرا شدن است. البته بورژوازی مجرب انگلیس خطرات احتمالی را یشیش یعنی کرده و در زمان تاچر چیزی بنام کملک به درآمد "تصویب کرده است. بر طبق قانون درآمد هر کس از سطح معینی گر سقوط کرده او می تواند از دولت تقاضای "کملک به درآمد" کند. در آمارهای منتشره آمده که هم اکنون در انگلیس از بر ۶ نفر یکنفر با "کملک به درآمد" زندگی می کند. حکومت هر بار که بودجه تعیین می کند با اشاره به چنین مخابرجی مالیات نای مردم را بالا می برد. یعنی در واقع بورژوازی در انگلیس حداقل دستمزد بر طبق استانداردهای یک کشور اروپائی را هم تمامی نمی پردازد. بلکه بخش از آن را ز جیب مردم تامین می کند. یعنی در واقع با یک تیر و نشان زده است. هم بخشی از دستمزد را از جیب مردم می باید و هم امیدوار است چلوی طغیان های

نهایت کاری تازه بوجود نیامده بلکه طبق آمار خود دولت در سینمای ایران ۱۶ و ۲۵ سال پیش از یک میلیون نفر بیکارند. یا زین بیرون دستمزدها در واقع کارگران شاغل را ناچار می‌کند اضافه کاری کند و میزان ساعت‌کار را بالا ببرند. طبق آمار رسمی کارگران در انگلیس در سال ۹۱ بطور نسبی در هفتاد و ۶ ساعت کار کرده‌اند. چرا که دستمزدها در این کشور از تمام کشورهای صنعتی پیشرفت‌تر است. اما بیروتیانی در پیاوورد چون به قول جان میجر در کنفرانس اخیر سران کپنهایگن: "قیمت نیروی کار بالاست". نشیره "اینساید" در این مورد مطلبی دارد که گویاست:

"وقتی افزایش ۴/۳ درصد به کارگران تحت پیوشن شوراهای دستمزد تصویب شد سیزده هشتین، رئیس هتل های هیلتون در لندن به ذیز وقت استخدام نوشت: افزایش فوق وضع را هم برای کارفرما سخت تر می‌کند و هم برای استخدام شده ها. این افزایش، دستمزد کارگران را به ساعتی ۲/۹۲ رساند در حالیکه این آنا خودش ساعتی ۲۸۰ پیاوند یعنی در سال ۵۸۴ هزار پاوند حقوق می‌گیرد".

این قانون هشتین قانون ضد کارگری است که از سال ۱۹۷۹ به بعد توسط محافظه کاران به تصویب رسیده است. هدف نهانی این قوانین به قول جان هندری، تماشیده فعلی تعاویض سراسری معدنجیان در دادگاه عالی،

سندۀ درسته است. بر طبق این ماده ناظرین ولت حق خواهند داشت به قول "ماینر" هیشۀ و همه جا از اتحادیه سراسری و یا بر بخش و شاخۀ ای بخواهند که حساب ما و سایر اطلاعات مالی را در اختیارشان نگرانند. اتحادیه‌ها منبعد موظفند میزان حقوق افراد سطح بالای خود را اعلام کنند. رضمن پولی که بابت رای گیری به آنها میشد از آوریل ۱۹۹۶ قطع خواهد شد.

ماده ضد اتحادیه دیگر به قول ماینر: "حق اتحادیه‌ها برای انتخاب اعضاء را از بین سی برده. مثلاً تمام اصول و قراردادهای اتحادیه برای جلوگیری از پیوستن اعتراض کننان و فاشیست ها ملغی خواهد شد." از آن به بعد هر کس تقاضای عضویت در اتحادیه را داشته باشد باید حتی پذیرفته بود.

بنینا مهمترین مواد از مجموعه موادی بودند که مستقیماً علیه اتحادیه‌ها به صوری رسیده است. اما یک ماده مهم دیگر که هدف آن ارزان تر کردن تیروی کاری باشد، انحلال شوراهای دستمزد است. بن شوراهای در ۱۹۰۹ تاسیس شدند و اانونا حق داشتند حداقل دستمزد اشاره عینی از کارگران را تعیین کنند که عمولاً کم درآمد ترین اقتشار بودند. این آخر بین ۲/۵ تا ۲/۷ میلیون کارگر است پوشش شوراهای دستمزد بودند که مدلتاً در بخش خدمات عمومی نظری هتل

متص می کند حقوق و دستمزد بیشتری  
دهند. تاثیر عمل تر این بند کسر دستمزد  
در واقع تنبیه و جریمه کسانی است که  
به دلیل عضویت در اتحادیه از قرارداد  
استجمعی استفاده می کنند. این ماده که  
رسیله ای نیرومند برای تشویق کارگران به  
ترك اتحادیه هاست به قول تایمز مال: «با  
ستدلایل تعیین و توسعه حقوق فردی تصویب  
نمودند».

ماده مهم دیگر که اشکال مبارزاتی و  
خصوصا اعتصاب را هدف گرفته اینست  
که من بعد باستی اوراق رای گیری توسط  
است ارسال گردد و «کارفرما دقیقا از  
ضمون نامه و اوراق ارسالی مطلع گردد.  
ماینر»، نشیوه اتحادیه سراسری مدتعیان  
ر مورد این ماده نوشت: «این ماده مانع  
س شود تا اتحادیه ها شیوه انتخاباتی  
خود را پرگزینند و مجبورشان می کند تا  
ز طریق پست و در خانه انجام دهند. این  
شیوه اغلب مدت زمان رای گیری را  
ملولانی می کند و امکان دست زدن به  
اعتصاب و عمل مبارزاتی را کاهش می  
کند». خود رای گیری هم کارگاه به کارگاه  
نجام می شود و ناظرین منصوب شده  
ولت بر جریان آن نظارت خواهد کرد. در  
 ضمن اتحادیه ها موظفند ۷ روز پیش تر  
ر مورد اکسیون مورده نظر به کارفرما  
شدار بدهند، هدف خود را از دست زدن  
نه آن یکان دارند، تیجه رای گیری را به  
طلائع او پرسانند و دقیقا بگیند چه

پیشتبانی توده ای کارگران را فارغ از مرز شهرها و اتحادیه ها و اخیرا فارغ از مرز کشورها جلب کنند. آنها بیکت هایی توده ای ترتیب دادند که از ۵۰۰ نفر تا ۵۰ نفر در آن شرکت کردند. به قول

باسخ داد. او در همان حال ۲۹۰ کارگر  
مددیغ غیر اتحادیه ای استخدام کرد. این  
نتنام در دهه های اخیر در بریتانیا نمونه  
نشد. کارگران از فردای روز اعتراض  
کارباره ای را شروع کردند که تاکنون ادامه

الکترونیک را پیاوی یک رای گیری برای  
اعتراض آوردن، اتحادیه ای که به  
سازشکاری شهره است. ۹۰ درصد به  
اعتراض رای مثبت دادند و با رهبری  
میته اعتراض از ۲۹ زانویه چرخهای

## کارگران متحد شکست ناپذیرند

روزنامه تایمز: هر دو شنبه دو هزار نفر در پیشکش شرکت کردند. آنها با توجه به رادیکالیسم و به طرفی نیروی مبارزاتی که هر روز بیشتر تعیق شده است شعارهایی را طرح کرده اند که عبارت بوداز بازگشت به کار: "از طریق مذکوره"، "از طریق تحریم محصولات تایمکس"، "پکمک اتحادیه ها در سراسر جهان"، "راخوان اعتراض عمومی" یک روزه سراسری کارگران" که اسکارگیل رهبر معدنچیان آنرا در پیکت و تظاهرات ۳ هزار نفره روز ۱۵ مه اعلام کرد و نیز از طریق جمع آوری مدارم کمک مالی برای دادن مخارج دادگاه و غیره و رفتن به جنگ کارفرما. این کمیته تاکنون اتحادیه را کاملاً به دنبال خود کشیده و پشتیبانی سراسری اتحادیه ها را هم جلب کرده است. در تمام کفرانس های سالانه ای که امسال برگزار شدند نماینده یا نماینده‌گانی از تایمکس حضور داشتند و در همه آنها پشتیبانی اتحادیه رسم اعلام شده اند. این کمیته در شهرهای مختلف بریتانیا و از جمله در لندن دفترهای پشتیبانی دائز کرده است. این دفترها ضمن برگزاری کفرانس ها

ن طینین هشانگ ۴۲ کارگر اخراجی  
ارخانه تایمکس و هزاران حامی آنهاست  
و معمولاً در خط پیکت و تظاهرات های  
وده ای بگوش می رسد. در شرایطی که  
برروزی در سراسر جهان بطرور متعدد و  
شده مند یک حمله همه جانبه علیه  
ارگران را به پیش می برد و می برد این  
ارگران با مبارزه پیگیر خود در یکی از  
هرهای بریتانیا حقانیت این شعار دهنا  
الله سوسیالیست ها را ثابت کرده اند.  
طور؟ پگذارید نگاهی خیلی سریع به  
سازنشان بیاندازیم که تاکنون اخبار  
پاریسی اکسیون های آنها در کارگر امروز  
تاب رسیده است.



رگیری کارگران اعتصابی تایمکس با پلیس، هنگام ورود اعتصاب شکنان به کارخانه

میتینگ ها، اعزام مبارزین به محل پیشک و تظاهرات ها و جمع آوری کمک مالی، اطلاعات لازم را هم در اختیار فبرنگاران و خواهندگان قرار می دهد.

کارگران در مقابل اقدامات سرکوبگرانه لیلیس از دفاع از خود غافل نشده و با این هدف مسلح به باشون و غیره دوگیر شده و آنها را زخمی هم کرده اند. آنها در ضمن از قانون شکنی هم ابایی نداشتند که در میان کارگرانی که صرفا از طرف رهبری تحجیمیه هدایت می شوند بسیار بسیار بقیه در صفحه ۱۲

شته است و به استعفای مدیر به اصلاح  
تصمیم و اعلام تعطیلی کارخانه منتهی شده  
است.

## ماکتیکهای کارگران

ارخانه را از حرکت انداختند. کارفرما یک  
ساینده از آمریکا فرستاد. او با اتحادیه به  
وافق رسید که اخراج و بیکاری نوبتی با  
حالات اتحادیه انجام بگیرد و بقیه موارد  
یه مذکورات باشد.

۱ روز پس از توقف کارها کارگران حاضر  
شدند با حفظ حالت اعتراض به  
برکارهایشان بازگردند و منتظر نتیجه  
نگارکارها شدند. مدیر کارخانه که تازه آمده  
می خواست کارگران را ناقچار کند تا  
سایندها را سفت کنند" با اخراج ۲۴۲  
برگ ساده که اکثراً نه مستند به کارگران

حقوق بازنشستگی از ۸ درصد به ۵  
حد خواهد رسید و بدون افزایش  
تمنزدها ساعات کار از ۳۷ ساعت در  
نه به ۴۰ ساعت خواهد رسید. در نتیجه  
آن اقدامات در مجموع ۱۰ درصد از  
بوق و دریافتی ها کاسته می شد، حقوق  
عادیه ای تضییق میشد و شرایط کار  
تر می گردید. کارفرما اینجا و انجا به  
رش کارگران رسانده بود که آنها باید  
نتظر اقدامات بذری هم باشند. کارگران با  
کشم شدید به این خواسته جواب دادند و  
عادیه شان یعنی اتحادیه بخش مهندسی،

## کارگران متعدد شکست ناپذیرند

١١ صفحه از نقد

بقیه از صفحه ۱۱

## مقابله با سازش‌های تُرک‌ایش

بقیه از صفحه ۵

چپ" در تورک ایش را اثبات نمی کند. قبل از  
نیز تورک ایش در مواردی نظری سال ۱۹۹۱  
علیه دولت اعلام اعتراض عمومی کرده  
بود. بنظر بطری ارادی از اینگونه حرکتها  
به ترتیبی باز اراده گرایانه و "پسندیده"  
رسیدن می تواند تداعی بسیار زیانباری را  
علیه طبقه کارگر بیان آورد.

اگر بخواهیم معیارهای رادیکالیزم جنبش  
کارگری ترکیه را با محکم هایی از این  
دست عیار بزنیم، آنوقت پذیرش دعوت  
سنديکاهای کویاتی از جانب رهبری حق  
ایش" (۱) را بایستی مستگیری  
"سوسیالیستی" این رهبری بحساب آورد.  
همانطور که روزنامه های ترکیه نیز گزارش  
کردند، رهبری حق ایش در آستانه اول ماه  
مه امسال پذیرش این دعوت را دال بر  
"همستگی طبقاتی" اعلام نمود. و یا  
درخواست برگزاری مراسم اول ماه مه در  
میدان "اول ماه" استانبول (میدان  
 تقسیم) (۲) از جانب دیرکل حق ایش،  
آقای نجاتی چلیک را چه باید نامید؟

نه که اخر اینکه بخش زنده ای از چپ موجود  
در رهبری تورک ایش را چپ سوسیال  
دموکرات تشکیل می دهد. سوسیال  
دموکراسی برای جا زدن خود یعنوان "حزب  
کارگران" چاره ای جز همصدائی گاه گداری  
با جنبش اعتراضی طبقه کارگر را برای  
مهارهای آتی و جمع آوری رای پیشتر ندارد.  
بغضصون موضوع گیری بیمورد و عدم  
پشتیبانی و همراهی نایابا از مبارزات طبقه  
کارگر در جامعه ای مثل ترکیه می تواند  
هر حزبی را مثل حزب مام وطن در  
انتخابات ییاندورو ای ۱۹۸۹ به خاک سیاه  
نشاند.

رضا شهرستانی  
۹۲/۷/۲۰

ذیرنویسها:

(۱) فدراسیونی که با بیش از ۱۵ هزار عضو خود را یا نزدیکی‌هایش به جریانات مذهبی تعریف می‌کند. این فدراسیون روابط حسنی ای با خانه کارگر جمهوری اسلام. دارد.

(۲) این میدان ستا هم برای طبقه کارگر و هم بورژوازی اهمیت ویژه ای دارد. برای طبقه کارگر یادآور مراسم‌های عظیم اول ماه مه و کشتار بیهمانه بیش از ۳۰ کارگر در سال ۱۹۷۷ و برای بورژوازی رعب و وحشت از این مراسمها، در مقابل تلاش کارگران برای پرگزاری مراسم اول ماه مه در این مکان، رؤیهای حاکم بر ترکیه تلاش دارند تا خاطره های میدان "اول ماه مه" نquam شی سیرده شوند.

پیش از استعفای مدیر سایر مقامات کارخانه اعلام کردند که در نویل آینده کارخانه بسته خواهد شد. کارگران ضمن اینکه استعفای مدیر و خبر پستن کارخانه را را یک پیروزی بحساب آورند که به قیمت کارگرانی بدست آمد. کمیته اعتراض اعلام کرد که با پستن کارخانه هم مبارزه خواهد کرد. تایمز در شماره روز ۲۰ ژوئن نوشت که کارخانه ۴۲۰ کارگر دارد و کمیته مصمم است از کار این کارگران هم دفاع نکند. مورینینگ استار در سرتقاله ۱۶ مه و پیش از رد فوری پیشنهادات کارفرما توسط کارگران نوشت: "اعلام پستن کارخانه تایمیکس در داندی نشان داد که چند نسبت به کارگران عادی بی توجهی وجود دارد. وقتی سود کم میشود آنها یک لحظه هم در تروقت کارها شک نمی کنند. این دلیل بقای آنهاست. اما کارگران هم نشان دادند که حاضر نیستند مثل برده کار کنند. مقاومتی که این کارگران نشان دادند باید مورد مستایش چنیش کارگری قرار گیرد". سرتقاله نویس از چنیش بین المللی کارگری خواستار شد نقیبی برای این معضل بگند تا سرمایه تواند هر جا سودش کم شد و یا تغیر ضرب قرار گرفت بار و بندیش را جمع کند و در جای دیگر برای استثمار پیشتر پهمن کند.

پدوم بلکه می ایستم و حرکتهای آهسته  
می کنم، در این موارد می خواهد بایلی  
به سر آدم بساید. جیریان رو شده بود و آنجا  
هم چندین نفر بودند که با یاکورزا در تعاس  
هستند. اینها فکر می کردند من احتمالاً  
خبر چیزی پلیس هستم. بعد موج بزرگی از  
خشش به طرف آمد و تا درودی یک منزل  
عقب رانده شدم و اگر آنجا داد نمی زدم  
و کمک نمی خواستم شاید خیلی بد لت و  
پار می شدم.  
چند تا ضریب خوبدم، اما خوب دیگر من  
هم می خواهم چیزهایی را تحمل کنم و نمی

خواهم گله کنم، به خیر گذشت. اما مترجم ایرانی را بدجوری تکت زندن. با ضرب لگد چند جایش را شکستند. روز بعد او را با یک گردن بند طبی و باند پیچی شده دیدیم.

## می خواست از شما دفاع کنند؟

卷之三

گفتگوی گونتر والراف با کارگر امروز  
از زندگانی انسانها بروای

بقیه از صفحه ۷

داشتهید. بطور مثال این درگیری در فیلم

نه بود از چه می ترسیدند: سوال خوبی است. من سیستم کام را خیلی سریع آماده کردم. در ژاپن یک سیستم دیگر فیلمبرداری دارند. امکانات تکنیکی، کوچک خودم تقریباً غیرقابل مشاهده است و نمی توان آنرا دید و کلا ۱۷۵ کیلو وزن دارد. ژاپنی ها به من گفتند امکاناتم را همینجا بگذار، خود آنها سیستم خیلی بهتری دارند و از نظر تکنیکی خیلی چلوتر رفته اند. من رفتم دیدم آنها هیچ نداشتند و ما باید اول از یک ساک رو دوشی چیزی درست می کردیم و این هم خوب نشد. ابعادش خیلی بزرگ

در روز سوم ژوئن از طرف کارگران یا فرباد: «انفال است»، «تحقیرآمیز است»، «وحشتناک است»، پاسخ گرفت. استفاده وسیع از روزنامه ها و رادیوها و کانال های تلویزیونی نیز از اقدامات دیگر مدیریت بوده است. یکی از مقامات شرکت در سوم ژوئن گفت: «اقدامات شرکت بخشی از کمپین کپانی های بزرگ برای ایجاد فضایی فارغ از اتحادیه است».

وسائل ارتباط جمعی بورژوازی

و سائل ارتباطات جمعی بورژوازی با توجه به شگرد های روزنامه نگاری گاه پنهان و گاه کاملاً آشکار به نفع کارفرمای موضع گرفته و مطلب منتشر میکردند. بعد از درگیری ۲۲ مارس تایمزمالی در سرمهاله روز بعد خود نوشت که باید به کارفرماها امکان داده شود تا در استخدام و اخراج کارگران دست بازتری داشته باشند و خواستار تصویب قوانینی در اینصوره شد. بیشتر روزنامه ها در توصیف اعتراض کارگران مبارز به کارگران جدید با کلامی شایسته خودشان نظری "چهره های خشن"، "چهره های رُشت و کثیف" و غیره یاد می کردند. تایمز در یکی از شماره های خود ضمن بر شرودن نقش اقتصادی کارخانه برای شهر داندی نوشت که کارگران و اتحادیه شان دارند "هنگ" را از داندی می رانند. کانال های تلویزیونی هم ضمن نشان دادن کارگران جدید که با چهره های پوشیده از اتوبوس های تحت محاذات فوج های پلیس، فریاد "اعتصاب شکن" را می شنیدند، برای آنها اشک تمساح می ریختند. این در حالیست که خود کارگران مداوماً می گفتند بیکاری طولانی و گرسنگ، آنها را ناجا کرده که

لیلیس در تاریخ ۱۷ روزن ۹۳ اعلام کرد که  
ناتان تاریخ پاد شده ۲۰۰ هزار پاوند صرف  
دفعاً از کارخانه کرده است. آنها در تحریک  
ابزار خشونت و دیسیسه چیزی نقش قبل  
غفرد علیه معتقدچیان را بیادها آوردند.  
نقش پلیس

نقش پلیس

اقدامات کارفرما مبنی بر اسلام  
شده بپرورهای است که خطوط آن بار دیگر  
در کنفرانس اخیر سران در کینهایگ تکرار  
شد و بناراین پشتیبانی ابتدا آشکار و این  
اوآخر ضمنی احزاب بپرورهایی، کارفرمایها و  
تشکل های آنان و وسائل ارتباط جمعی را  
با خود داشت. کارفرما و مدیریت از ابتدا  
از هرگونه مذکوره ای با اتحادیه سراسری زد.  
مدیر با توسل به دادگاه چندین بار کوشید  
پقوں خودش از مزاحمت های پیشک فارق  
شود اما غریبار سرش به سنگ خورد. با  
پیشرفت مبارزه نماینده مدیر مجبور به  
شرکت در مذکوره شد اما پیشنهادات او که  
منتهی به کسر ۲۷ درصد دستمزدها میشد

**WORKER TODAY**

**Of course, the issue of middlemen should be separated from these other offences. For example, like that dealer who you said took the money and ran away...**

The guy who gave the money doesn't even have a room to sleep in now, and sleeps in a tent.

**This very act of appearing as a dealer and then taking their money means participating in their exploitation.**

There are always people who do such things. But, on the other hand, those who are looking for work don't need these middlemen. This system is not very useful any more; so even the middlemen are now out of work!

**Such functions could be organised in the framework of cooperatives.**

Yes, that is a useful possibility.

I don't have a specific question. You were there only for a few weeks, and you had both good and bad experiences. For example, what was that quarrel in the film about?

It is a good question. I put together my camera system very

hastily. You see, in Japan they have a different filming system. My own small camera system is very inconspicuous and in all weighs only 1.5 kilograms. My Japanese friends said that I should leave those facilities behind because there, in Japan, they have a much better system and that they have made a lot of technical progress. Once I got there I saw that they had nothing, and we first of all had to build something out of a shoulder bag, which did not turn out to be any good; it was too big and the lens had been very badly concealed behind the bag's label. Working with this bag was very dangerous, because anyone who distributes hashish or forged phone cards has some watchguards who are on constant lookout to see where the danger comes from. They briskly inspect the surroundings and take notice of everything. Although I am experienced in moving without arousing attention and in making myself 'invisible', I was very quickly spotted in the centre of the park. When I turned my bag sharply towards the phone card, one of the Yakuza watchmen noticed it. Physically, I am not in a condition to run quickly, but I stay where I am and make slow movements. In such situations, very nasty things can happen to you. So the secret was out, and people connected to the Yakuza

were there. They thought I was probably a police informer. Then a wave of angry crowd came towards me and I was driven as far back as the doorway of a house, and there if I hadn't shouted for help I may have been badly smashed up.

**Were you beaten up?**

I took a few blows. Then again, even I can take a few punches! For me it was a lucky escape, but my Persian translator was badly beaten up. He was kicked and got some fractures. I saw him the next day with a medical neck support, all bandaged up.

**Had he tried to help you?**

No. But they thought he was with me. He too had luck, because just when one of the attackers was taking out a knife to slash his face, a bike-mounted police arrived and he was saved.

**How did you escape?**

Just pure luck! We two were pushed in two different directions. While I was going backward, I kept telling them that I wanted to talk to them. I knew a little English and was telling them, 'I am not your enemy, I am a journalist and want to talk to you', and asked for their trust, until we got to a dark passageway. Then I shouted and called for help. If the Japanese shopkeepers had not come to my help, those initial blows that I got would have got much harder. They wanted to take my bag containing the camera. The shopkeepers, and some of the Iranians there, were saying, let him go. These were the same

people that I had talked to in the days before and knew that the questions that I had asked were about the condition of immigrant workers and were not the type the police asks.

The next weekend we were in another park, Yoyogi park, where there were two to three thousand Iranians. In such a big park my Persian translator friend and I by sheer bad luck ended up in a corner of the park where we bumped to the same person who had noticed my camera the last time! I went towards him and said, 'Young man do you now regret what you did? We are not after you.' He quickly looked at my bag, but fortunately I didn't have the camera with me. After that we had a very constructive talk together, but we had barely got going when a few of the Yakuza people started talking to the guy and began coming after us. They followed my translator friend until the subway. Only by going into a police station did he finally get away.

**I have no more questions. I only wish to express a hope here. You made this report about the condition of Iranian immigrant workers in Japan. You know that in Iran too there are a large number of immigrant and exiled workers, particularly from Afghanistan. A much worse situation than what you have reported about the Iranian immigrant workers in Japan, exists for the Afghan workers in Iran. I hope that one day we can also talk together about the situation of these workers.**

I hope we can meet again and have a discussion.

## Restructuring Iranian capitalism...

From page 16

exerts on domestic products, to drive Iranian industries towards sustained profitability. In general, the survival and success of domestic industries depends on to what extent they can cut down on production costs and produce the goods available on the world market at a price lower than the world price. Again generally, there are various ways of reducing production costs, the most effective of which is to employ higher technology. But in Iran's present situation, Iranian industries are least prepared to adapt themselves to the new conditions, since both for political reasons, and economically, Iranian industries cannot pursue a long-term, or even a medium-term, strategy to reach this goal. The disorganised political situation, accompanied by the seasonal outbursts of the religious extremists, mean that there is no assurance for the continuation of long-term strategies. The disorganised economic situation too leaves no possibility of rational accounting for the long term. In the last ten years Iranian capitalists have pocketed enormous profits just by utilising the small openings which emerge in the chaotic situation of Iran, and they continue to consider this a surer way of making profits. All these make the complete realisation of the regime's new economic policy uncertain. At any rate, these factors have not stopped the practical implementation of the new policy, and the economic about-turn has begun since the start of the new year.

Under these circumstances, the confrontation of Iranian capitalists with the pressure of international competition drives them to make the reduction in produc-

tion costs in the short run, and through reduction in "labour costs", i.e. by cutting wages, increasing the working hours and raising the intensity of work.

The mass lay-offs are one of the first results of the new economic policy. For the Iranian capitalists "reduction of production costs" immediately means making fewer workers produce the same volume of production and to fire the rest - something which the heads of the Islamic Republic regime shamelessly call "moderation in workforce". Furthermore, some industrial sectors will not survive the foreign competition, their capitals will be shifted to other sectors and many enterprises will be shut down. (The Islamic Republic government calls this "compulsory relocation of workforce", without saying that the workers of many of the shut-down plants will not find work in the other sectors.)

What we said applies in the first place to the private sector industries. In the state-owned sector the situation is even worse, since a complementary part of the new economic policy is the sale of state industries to the private sector. But which capitalist in the private sector would be prepared to buy state-owned industries under the present conditions without being one hundred percent sure of their future survival and profitability in face of foreign competition. It is for this reason that the government's sale of industries means that the state itself must in the shortest time possible cut their costs until there is no doubt about their future profitability, and they are attractive enough to the private sector... The reduction of costs in the state industries means lay-offs and wage cuts much more than in the private industries, since the state is by no means prepared to make profitable the plants that it wants to sell through investment and improved technology.

### Workers against the state and capitalists

The mass job cuts will no doubt lead to workers' resistance and protest. The private sector capitalists are trying to present the sackings as only the result of the government's policy, as if it is not they who, instead of cutting down on their own profits, decide to reduce the "labour costs" and fire the workers. The concern of the industries unable to compete with foreign products is that workers' reaction should prevent them from changing the production line and smoothly moving their capitals to other industrial sectors. In a letter to the government, the textile employers expressed their concerns over workers losing their jobs! But the capitalists have not turned worker sympathizers overnight. These are the Iranian bourgeoisie's crocodile tears. The situation of the Islamic Councils with regard to the new economic policy is even more noteworthy: on the one hand the Labour House (centre for the government-set up Islamic Councils and Islamic Societies) issues a resolution on May Day in support of the President; on the other hand, it expresses concerns over the lay-offs!

All these indicate that the Iranian working class is confronting the state and capitalists alone. The new wave of job cuts is a prelude to a class attack against the workers in a new economic era in Iranian history. Only by demands which unite the whole class can the workers stand up to this attack. The practical implementation of the government's new economic policy specifically stresses the significance of two important slogans of the Iranian working class: unemployment benefit for everyone ready for work, and wage increases in line with inflation.

### In the Persian Section

In addition to the articles published in the English section, the Persian section of this issue contains the following main articles:

■ More job cuts in Iran ■ Presidential elections in Iran and the labour law - article ■ Islamic Republic regime even intolerant of its anti-worker labour law ■ Worker-communist Party of Iraq is formed ■ Kali miners' strike in Germany - translation ■ Long live workers' international solidarity - article on Kali

ISSN 1101-3516

شنبه انتشار اسپرینگر ایامنیتی داری

**WORKER TODAY**

An International Workers' Paper

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush

Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Fax: (46) 8 - 52027259

### Subscription Form

I would like to subscribe to *Worker Today* for a period of

Six months

One year

Please send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution \_\_\_\_\_

Address \_\_\_\_\_

Postcode \_\_\_\_\_ City \_\_\_\_\_ Country \_\_\_\_\_

#### Subscription Rates

Europe

1 Year SKr140

6 Months SKr80

Elsewhere

1 Year SKr210

6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

## WORKER TODAY

would not bring in their own political positions and did not want to make propaganda, because they wanted to keep in the gatherings even those who were supportive of the regime. There were some who either through ignorance or just instinctively approved of the regime or downplayed its evils. I never could tell if somebody was giving me a tactical, or an honest, reply. (I am talking about those who approved of the regime.) But I always noticed that there also was fear and caution.

## You noticed this?

You could sense it very distinctly. When I ask someone, What are the conditions like in Iranian prisons?, and then a man, who is educated and an intellectual and not at all uninformed, answers: 'The conditions in our prisons are ideal; our prisons are social institutions which are not for revenge but places where people get educated, and, after their prison terms, are released as completely equal members of society'. I ask him if he has heard anything about torture, if he has read the Amnesty's reports about how people are brutally tortured. He says, 'No, these are all propaganda'. But when he was answering I noticed that it was as if he was reading out from an official text. He wanted to return to Iran and was afraid, since his family was still there. That is why he gave me this official reply. I could feel all this.

You told me before, that the Iranian immigrants in Japan follow the condition of the immigrants in Europe. You mean they are concerned about the situation of the Iranian immigrants in Europe and the Islamic Republic's assassination squads abroad?

Yes. I was surprised that many of them had relatives and friends in Sweden, Germany and France. For the immigrant workers and their families national borders do not matter any more. Everybody has got someone somewhere - for example, in Germany and in France and who now think of themselves as Germans and French. Somebody told me that his uncle lives in a street near our house in Köln! It really is a small world!

They have contacts by letter with the Iranian immigrants in Europe. Visiting is not possible, but they keep in touch by letter. I see this as a glimmer of hope in these dark days; that through such bridges the narrow national limitations are abandoned and steadily an internationalism grows which respects the positive sides of the different cultures and which tries to overcome the negative, repulsive and oppressive aspects of the different systems.

The continuation of such contacts, and life in immigration, make the children and grandchildren of the first generation of immigrant workers, who are familiar with both cultures, to discover and absorb the positive sides of each culture. At the same time, they see more clearly the oppressive and backward side of their own culture and the inhuman aspect of the new culture and try to overcome both. I think it is here that something new can flourish; a

new culture for a new society. I see in these people the germs of a more human and a more just international society, forming a global conscience; a bit utopian.

**As far as I know, the Iranian immigrants in Japan are mainly single people who have come to Japan alone to work for a few months, or may be a few years, make some money, and go back - like the Turkish immigrants in the early days of their immigration. What happens to the question of integration in this context?**

The situation is precisely as you say. But after being away for a few years the situation changes. For many of those who stay for a long time, there comes a point of no return. In Germany the Turkish and Italian immigrant workers sat for many years by their packed suitcases and said they would go back the next year or after a few years when they had made enough savings.

But many of those who returned saw that somebody else had taken their place and that they could not rebuild a life. When they arrived in villages which had been deserted, with only the old people remaining, they realised that their dreams had vanished, and so they came back here. But then they returned to worse conditions, since they had either accepted severance pay, and so had no job to return to; or they had invested their money in a small shop which in most cases had failed. So today I don't think they dream so much of going back, and try to scrape together a living here. But with the growing violence in Germany, many have once again started thinking that they should go back one day, that they can't take it any more, and that living here is getting dangerous. Some have even started taking their names off their front doors. I know Turks in German-inhabited districts who don't have their names on the doors any more - because they are afraid.

I have heard from insurance companies that they are not insuring Turkish homes because they say it is too risky. It is true that in Japan most [of the Iranian immigrants] now want to go back and say that they'll only stay for a few years and then go back, but most of them have not as yet saved enough money. The costs in Japan are very high. Food and housing are two to three times more expensive than Germany. For example, they pay 1,000 marks in rent for a 15 to 20m<sup>2</sup> room! Housing has become an exorbitant commodity, even for the Japanese...

**So it is understandable that the immigrants there want to save...**

Yes. Absolutely. Their money runs out very quickly because it is taken away from them in different ways, and when they want to go back nothing is left. Or if they have some savings but lose their jobs, then they need this saving for their own expenses. I also heard that an Iranian youth had given his last savings (of between 3,000 to 4,000 marks) to a dealer in exchange for the promise of a one-year job. But the dealer had then disappeared. He lost his savings and didn't have a job either. Such things happen.

I will return to this function of the dealers and middlemen. But first let me ask you another question. You talked about a promising internationalist orientation among the immigrants.

I experienced this in Japan. There I met what I have found lacking here; a grand discipline and broad-mindedness. They made a good impression on me. We have become friends, and I hope we can meet again. We exchange letters.

**A more specific question in this regard. Do these workers follow the political developments among the Iranians in Europe, including the regime's assassination of its opponents abroad?**

Yes. There is this fear that one day such things might also happen in Japan. They still feel safe, but they follow these developments very closely.

**In the film you say the Japanese are 'more Japanese' than the Germans 'are German'. Could you elaborate on that?**

The Japanese society is more homogeneous. Being an island, and the cultural continuity over the centuries, has contributed to this. The Japanese are more united in many areas. They quickly compromise. They call this "constructive relation"; I call it a "decadent peace". It is the reverse of Israel.

I was a guest in Israel for a while. There, when you talk to three Israelis you hear five different viewpoints! It is an amalgam of the whole world; a mixture of ideas. Japan is completely the opposite. There is apparently a universal convergence of views. This is not good for a society. A society which unites on the basis of a small common denominator and covers up the rest, will mark time. A fermentation process and the idealist aspects are lacking, and this is very conspicuous. It may be they just don't show it in front of the foreigners; it may be that because of misunderstanding their national pride they don't want to show their conflicts to others, and that they discuss them among themselves. But I don't really think so. The politeness and self-sacrifice among themselves are so strong that they downplay their conflicts and put them aside. In the Japanese educational system the worst thing is to voice opposition. To express opposition as an individual is tantamount to becoming isolated from the group. But I believe that [the voicing of differences] is an important factor in building a new society. I think the expression of every opposition should be encouraged. I have heard that this happens inside the firms. They are now disassembling the hierarchy in the firms, so that even the lowest-ranking worker can have the chance of disagreeing with the highest-ranking manager. This is a new framework, but is not yet observable in the society at large.

**In such a society it must be much more difficult to talk about integration of foreigners than for example in Germany.**

Generally speaking, yes. But, on

the other hand, right now I am getting letters from sellers, workers and students, that the discussions that I initiated are very important and that all this time they have thought of, and have been concerned about, the humiliation that people are subjected to. I have the impression that the Japanese are more blameless. Now that the discussion has been opened, some people are coming forward and saying, Well here you have a foreigner who has also studied the situation in his own country from a critical standpoint, and so if he says something [about our society] he is right and has the right to say it; his doesn't mean to attack us as Japanese, he doesn't say he is from a superior society, but he has a valid criticism.

I think this is interesting. Another thing is that the NHK national TV showed the film without any attempt to censor it. I was surprised, because in the film I had said some of the things very openly and sharply, and I thought that they would want to censor it and, for example, say, no we can't show these bits, they won't allow us. But they showed the film without making it any milder, or cutting out some words.

But this was not what happened in Germany. It has not yet been possible to show the film *Ganz Unten* on the first channel of the national TV, though it has received awards from the film evaluation institution as a "particularly valuable" film. And it has received the British Award from the British Academy. The film has been shown on the national networks of 14 countries. But we did not succeed in Germany because party chiefs stopped it. Those states in Germany where the Christian Democrats are in power, and Bayern, said that the film was not 'balanced enough' and so they could not show it. That's why I was surprised when this happened in Japan and also initiated a debate. The interesting point is that the showing of the film in Japan coincided with the imminent collapse of the main ruling party in Japan, coming at a time when critical voices had been raised. It was as if a small atom was announcing its existence, a fraction of themselves saying that we have to face up to these things.

**I can imagine that without these domestic issues...**

Yes, it would have been impossible.

**What was the impact of the film on the public?**

The head of this section of the TV wrote to me that they had never had such a powerful response to their programmes from the viewers. He said that the phones had kept ringing for hours, and viewpoints, for and against the issue, had kept coming in. Ten million people saw the film, though I must say that the film itself is only a modest attempt. I was there only for a short time and could not work as much as I would have liked. And compared with the *Ganz Unten* which was based on my experiences in Germany over a two-year period, this film is only a modest contribution, an enquiry, an attempt. But the fact that it, nevertheless, made such an impact shows how the issue itself had until then been left out of public discussions and debates. It generated a powerful response, and according to my Iranian friends it also eased their situation a little. Those who saw the film were affected by it and some even felt ashamed.

**Hopefully it can relieve the situation of other immigrants too.**

The point is that from the immigrants' point of view their problems have been posed in an offensive light. Before, they used to say, No, no, we are not smugglers, we are not criminals, we don't use violence... It was always like that; the reaction was defensive. Now all of a sudden there was an offensive which targeted the Japanese society and the Japanese government for their toleration of violation of human rights; for their supporting the abuse, let alone stopping it.

**The issue of dealing in drugs, forging of phone cards and petty crimes, and the business of job middlemen, carried out by some of the Iranians themselves - clearly these are ugly things. Don't the immigrants themselves deal with such problems? Don't they try to find ways of fighting them so that the immigrants as a whole would not be presented as being responsible for them?**

Such things are quite isolated. More isolated than Germany where, it should be said, there is a Turkish and Kurdish drug mafia which deals in the heaviest stuff, i.e. heroine. In such cases I too am in favour of quick deportation. There [in Japan] they are also a minority, but it is more in the form of hashish dealings - and not the heavier stuff - and phone cards' forgery by some of the Iranians.

Here in Germany there is really a heroine mafia. My own researches showed that it is the Turkish state officials, Turkish military men, and Turkish diplomats who on the largest scale distribute heroine and other drugs here, and there is also a Kurdish mafia which does these things independently, behind which stands the P.K.K. In Japan it is not the Iranians who organise these things; it is, rather, the criminal *Yakuza* organisation which runs everything and which uses those who have been unemployed for a long time for this purpose. In some cases it even forces people to do these things. These people don't do such business by their own responsibility and direction. They don't even get a percentage share but get a daily wage (something like 100 marks a day) to do this business, essentially the phone cards. I don't think of this phone cards' business as something ugly. I am not sure it harms anyone. It makes contacts somewhat easier among the families and also among the immigrants themselves. And it is the immigrants who are the main buyers. In this way they too get a chance to talk to their families and children for 10 to 20 minutes. I took the opportunity and bought a few of these cards which cost only 10% of the normal price. There is no real harm done here. It is rare for the Japanese to

## People's worth today is equal to their daily wage

*Günter Wallraff talks to Worker Today about his latest film on immigrant workers in Japan*

### Final Part

In May, Japan's national TV showed a film by Günter Wallraff, the famous German journalist, on the condition of Iranian immigrant workers in Japan. Bahman Shafiq, *Worker Today* co-worker in Germany, talked to Günter Wallraff about the film, the condition of immigrant workers in Japan and about his views. The first part of the interview appeared in our previous issue. Here we publish the second, and final, part. The translation is, indirectly, from the Persian translation of the interview.

Günter Wallraff has also provided *Worker Today* with a copy of the film for showing in workers' meetings and Iranian immigrants' gatherings in various countries. Proceeds from the film will go to the workers' and immigrants' cause.

Günter Wallraff, famous critic, author, film maker and journalist from Germany, has recently made a film about Iranian immigrant workers in Japan, where it has already been shown on the national TV, and seen by over 10 million viewers.

This is, of course, not Wallraff's first work in depicting the inhuman conditions under which the immigrant workers are living, and certainly not his most comprehensive. Wallraff's fame is most due to the startling report that he published in 1986 on the condition of Turkish workers in Germany. The *Lowest of the Low*, as the book is called, is an account of two years of his life as a Turkish worker (Ali) in Germany. The book has been translated into more than 30 languages and published in millions of copies. The film version is based on films taken in secret over this two-year period. *Lowest of the Low* is Wallraff's indictment against the inhuman conditions in German society.

Some years earlier, in the role of a journalist for the daily *Bild*, Wallraff had published a shocking account of the methods of falsifications and deception used by the *Bild*. The publication of the book had serious consequences for the paper and led to a substantial reduction in its circulation.

Wallraff has not stopped at the criticism of German society. In the days of the military coup in Greece he was involved in a protest action in front of the Greek Parliament against the repression. That cost him 14 months in prison.

Günter Wallraff's efforts of social criticism have earned him many friends; but also many enemies. He has been the target of numerous threats by fascists in Germany. At the same time he has enjoyed the friendship and affection of countless working men and women.

- Bahman Shafiq

**Worker Today:** You talked about the existence of some forms of organisation among the Iranian immigrant workers for cooperation - such as running language classes. Are there any other specific organisational examples among other nationalities, not only for mutual assistance and friendship but also for exerting a social and political influence?

**Günter Wallraff:** Unfortunately there aren't any. The fact that most immigrant workers are too scattered among their own national political groupings, and so do not pay any attention to their common interests, is, I think, the biggest problem - not just in Japan, but also in other countries, including Germany. If here in

## WORKER TODAY

who benefits? It is the reactionary forces who benefit, and who say, 'well we always said this [would happen]; a civil-war like situation'.

I think a general organisation of immigrant workers should be built across Europe. Capital has for long created this, and is already international. They have their bastions of power beyond the borders which defend their interests. For capital, borders are not a big problem. But the workers' movement is still far too tied up in small groups, in nationalism, in petty issues. This should be dealt with, and the immigrant workers themselves should deal with it. It cannot be done by Germans acting as guardians.

That immigrant workers should stage a general strike of their own is debatable. But there is also something a labour movement in these places; there are trade unions in Germany, and also in Japan. Do immigrant workers in Japan go to the unions and say, we too are workers here, these are our conditions, give us assistance? Do immigrants put such pressure on the unions?

decades there was only one party which held the state apparatus...

You mean the Liberal Democratic Party?

Yes, the so-called Liberal Democratic party, i.e. a power centre for big capital, for the banks and for the lords of the country. It seems that some changes are on the way.

Also in Germany I think immigrant workers should join the unions. Without unions some things would have been much worse. But in addition to that, immigrant workers should organise themselves, so that they can formulate and put forward their own very particular demands.

I have a question in regard to the support of the "the government of the country of origin" for the immigrants. For example, recently the Turkish government was shedding crocodile tears for the plight of the Turks in Germany. Has the Islamic Republic government also followed a similar line with respect to the Iranian immigrant workers in Japan? ...



The Japanese trade unions are toothless and emasculated tigers which have been very quickly tamed. The harness of big capital has been put around their necks and they are allied with big capital. Essentially they are ineffective. They sign company-wide contracts and so are dependent on the company in question. They take no general initiatives and have no ideas for the illegal immigrants there. This situation in Japan is an extreme one. In Germany too there is this problem, but at least within the framework of the unions there are forces who pay much attention to the interests of their foreign colleagues. It is in the trade unions' youth organisations that S.O.S.-Racism has had, and still has, its support. But unfortunately only in the youth organisation of the unions. The question is, why not in the whole body of the trade union?

It was a very big step forward that at last a Turkish colleague - Yilmaz Ghara-Hassan - was elected to the leadership of the Metall union. But this came at the end of a very very long road and was not at all a matter of course.

The climate inside the factories is also such that the immigrant workers are pushed back more. But in any case capital in Japan is much more powerful, because for

Whether there has been any major action, I am unaware. There have only been a few cases of requests by the Iranian government, and even once they created problems for a Japanese tourist group in Tehran, checking them for a long time, in an effort to show that human rights violations exist in Japan too. But this was a brief episode. On the whole, I have no information regarding attempts critical of the conditions [in Japan].

We should of course be aware that visits to Japan were made possible by a mutual agreement to grant three-month visas; this was later cancelled on the part of the Japanese government. At any rate, I am not aware of such measures by the Iranian government. I am also unaware of what goes on at the level of secret diplomacy.

Of course, I did not expect the Islamic Republic government to support the immigrant workers. That is quite clear. This is one aspect of the issue. But the other aspect is whether the Iranian government follows a particular line with regard to the Iranian immigrants in Japan? You talked before of the fear of Iranian immigrants to appear before camera. Is this only due to the fact that this

might lead to a worsening of their situation at the workplaces in Japan, or is there also a fear of reprisals on the part of the Islamic regime?

It is both. The biggest fear by most people concerns the vicious accusations and the bias by the Japanese media. The Iranian immigrants only have a negative experience in this regard. The Japanese media have waged a smear campaign against the immigrant workers, picking on the isolated cases that have existed, like the forging of telephone cards or the smuggling of hashish, to say that it is the Iranians who do these things. Also here in Germany we know that "it is the foreigners who do it". In those cases where the immigrants have talked to the press and journalists, often these have been distorted and used against the immigrants themselves. That is why they have become so irritated and disillusioned that basically they don't want to have anything to do with the representatives of the media. If I had not been a well-known face and one concerned with the interests of immigrant workers internationally and who is not apologetic about his own country, probably they would not at all treat me with the trust that they showed.

But there was a small group of Iranian immigrant workers who were also afraid of their own regime. They were saying, if we become known here as active advocates of the interests of our fellow workers, they might, from the Iranian [government's] side, try to turn us into their tools; or even persecute us when we go back. They were a small minority, but in terms of moralities and humanism they were very active. They used to help their colleagues during the free times in the contacts with the authorities and in language tuition. They were active in the area of human rights without expecting anything in return. Some of them were afraid of the Islamic Republic regime.

On the other hand, it was interesting to see that they would put their [own particular] persuasions aside in the Iranian immigrant workers' gatherings and would not turn them into subject of dispute. They would say, we want to try to integrate in this society. It doesn't initially matter whether one has an Islamic orientation or is against religion, or to which movement or tendency he/she belongs. We are so few that we must defend our common interests. Something which I rarely experience here had happened in Japan. Otherwise, they would very quickly become scattered and end up fighting amongst themselves.

This was my impression, and I should mention that there are those who, if sent back to Iran, will end up in prison and be tortured, or their lives will be in danger. They were not the majority of the immigrant workers, but were people for whom I have high regards.

And that's exactly where the problem is. In the sense that the initiatives are usually taken by the more active ones, and when they fear that...

Yes. And, on the other hand, their discipline was so high that in these initiatives and gatherings they

## IN BRIEF

### South Korea

The government dispatched more riot police to the south-eastern city of Ulsan, the main manufacturing base of Hyundai, to forcibly end a long-running strike affecting six Hyundai companies. Two of the companies have threatened to lock out the workers unless the unions accept a lower pay offer. The Hyundai workers are also demanding the reinstatement of fired union leaders.

About a dozen workers and police were injured when riot police clashed with about 200 workers trying to break their way into the headquarters of the ruling Democratic Liberal Party on 12 August. The workers, who have been laid off following the closure of the Wonjin Rayon factory, are demanding that the government take back its decision to close the plant.

### Russia

Workers in Vladivostok went on strike on Tuesday 10 August over high energy prices. The leader of the strike committee, Anatoly Shalamanov, said only employees in vital industries were working in the far eastern city and the Primorsky region - Itar-Tass news agency reported.

### France

Ten workers were killed in an explosion on 16 July in the smelting tower at the Metal-europe factory near the northern town of Lens.

## Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.

YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area. YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.

YOU CAN send us your articles and reports.

YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.

YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

### WT News Service:

Train drivers in Romania began a strike on 11 August as the nine-day coalminers' strike came to a close.

The strike by the coalminers ended after the miners' union and the government agreed on a pay deal. At the start of the strike, the 45000-strong miners' union had called for the doubling of the basic pay to up to 224,000 lei (\$280) a month to counter the effects of a 230% inflation. The government had proposed an average of only 166,000 lei (\$207) a month. Rompres, the state news agency, said the union and the state-owned company which administers the region's 13 coal mines had

agreed on monthly wages ranging from 146,000 lei for an unskilled worker up to 207,000 lei for an underground miner - according to the *Financial Times* (12/8/93).

With the start of the railworkers' strike, the railway board applied for a Supreme Court order to outlaw the action. According to reports by Reuter, passenger and freight traffic was paralysed. The train drivers' union said they began the strike because negotiations over a long-running pay demand had failed. The drivers' main demand was adjustments in pay differentials between various types of railway workers. Road maintenance workers have also announced a stoppage.

## Restructuring Iranian capitalism Step one: massive lay-offs!

### Iraj Azarin

With the adoption of a uniform exchange rate after the Persian new year (20 March '93), the economic policies of the Rafsanjani government were finally put into practice. Three years' preparation for the new economic policy had left no one clinging to the illusion that supposedly these policies are to ease the economic pressures off the backs of the working people. The very first steps of the policy clearly show that workers are the victims. Mass lay-offs are already underway and, according to one official of the Islamic regime, the laying off of one million workers is planned. The sharp fall in real wages in the past few years completes this grim picture.

### Factors behind the new economic policy

The main goal of the Rafsanjani government's economic policy is to restructure Iranian capitalism. A number of factors have led to the implementation of the new policy:

1- The world situation: This is no doubt an important factor. The crisis of the statist economic models in East and West during the '80s is certainly a major element behind the adoption of the new policy. In addition, international financial organisations like the IMF are putting pressure on Third World countries, including Iran, to adopt this kind of economic policies.

2- The government's economic bankruptcy: The Islamic Republic government, which for the first time in Iran's contemporary history, is financially weaker than the private sector, has effectively gone bankrupt. This is another factor which drives the regime towards adopting economic policies in which there is a smaller role for the state and state expenditure.

3- The necessity of restructuring Iranian capitalism: 14 years after

the 1979 revolution, the Iranian economy lacks a secure foundation. The Islamic government must rapidly restructure Iranian capitalism. Not only because this regime is tied to the Iranian capitalist class, but also because the heads of the government know that the very political survival of the regime depends on its being based on a firm economic foundation.

### Elements of the new economic policy

The new economic policy is supposed to transform the Iranian economic development model, sharply reduce the role of the state in the economy, put the private sector at the centre of economic activity and integrate the Iranian economy totally in the world market. The major elements of this policy are the following:

1) Reduction of tariffs on imported goods, or, in other words, reduced protection for domestic goods; 2) A sharp devaluation of the Rial; 3) Privatization of state industries, and abolition of state subsidies.

These measures, together, are to shift the Iranian economy from production for the domestic market towards production for the world market. The reduction of protective tariffs will, by allowing free entry of foreign products, put the Iranian industries under the direct pressure of world competition. On the other hand, Rial's devaluation will make the goods made in Iran cheaper in the world market. Thus, those industries will be able to survive that can compete with foreign goods. And they will have access not only to the domestic, but also to the world, market.

### What the policy means in practice

The main goal of this policy is, by the competitive pressure that it

Continued on page 13



## Islamic Republic under pressure on violation of workers' rights

### WT News Service:

The 80th annual conference of the ILO was held in mid-June in Geneva with the participation of 'representatives of states, employers and workers' of over 200 countries. At this conference, Jabbar-Ali Soleyman, who was there on behalf of the Islamic Republic's *Labour House* organisation as 'a representative of Iranian workers', denied reports about the existence of repression against labour activists in Iran. The Labour House in Iran is a state-controlled body which directs the activities of the Islamic Councils and Islamic Societies at the workplaces.

Following efforts by the labour solidarity committees in Europe and North America to highlight the condition of Iranian workers, and following numerous letters and resolutions by labour organisations around the world condemning the lack of labour rights in Iran and protesting against the participation of Iran's Islamic Councils in ILO conferences, the International Confederation of Free Trade Unions (ICFTU) too in its annual report mentioned Iran as among the 11 most dangerous countries for labour activists (see WT 38).

Reacting to these international pressures, the representative of Iran's Labour House at the ILO

conference called the ICFTU report on Iran a complete lie. He said if such reports went unchallenged, they could undermine 'the labour organisation' in Iran, meaning the state-linked Islamic Councils. He said the Labour House in Iran would lodge a complaint with the general secretary of the ILO, and considered it its right to take legal action regarding the allegations in the report. He added that the Labour House was prepared to receive inspection teams sent to Iran.

Another development in the conference was the election of the Iranian delegation to the ILO's governing board. The Islamic Republic representatives had once before been elected as a substitute member of this body. The board has 56 members: 28 governments' representatives, 14 employers' representatives, and 14 employees' representatives.

*Worker Today* condemns the election of the Islamic Republic's representatives to the governing board of the ILO. This action is an open mockery of Iranian workers' struggles and of the efforts of all those labour organisations in Europe and North America who, on behalf of millions of workers, have condemned the blatant violation of workers' rights by the Islamic Republic regime and demanded the expulsion of the Islamic Councils from the ILO.

## People's worth today is equal to their daily wage

Günter Wallraff, author of the celebrated *Lowest of the Low*, talked to *Worker Today* about his latest film on the condition of immigrant Iranian workers in Japan. *Final part - p. 15*

